

برای مخفی ساختن طعم تلخ و ناپسند جوشانده، بدان سی افزایشند. سابقاً از این گیاه به عنوان محلل، نیرو دهنده سلسله اعصاب و خلط آور در بیماری های سینه (در ذات الریه) و قاعده آور استفاده می شده است. روغن حاصل از دانه این گیاه دارای اثر مسهلی است و در استعمال خارج نیز به صورت سالیدن بر روی عضو، در رماتیسم و فلج مورد استفاده قرار می گیرد.

روغن مذکور برای بیمارانی که کلسترول خون آنها زیاد است می تواند قابل استفاده باشد. احتمالاً در درمان تصلب شرائین، اثر مفید ظاهر می کند.

**محل رویش** - خراسان، تبریز و تفرش (تراران)، آذربایجان، اصفهان، حسین آباد در ۲۰ کیلومتری شمال غربی داراب، قزوین در ۱۲۰۰ متری.

### *Carthamus lanatus* L.

*Centaurea lanatum* L. ، *Atractylis lanatum* Scop.

فرانسه : *Garthame laineux* انگلیسی : *Distaff thistle* ، *Wooly safflower*

آلمانی : *Wooliges spornblatt* ایتالیائی : *Attrattil* ، *Carthamo lanoso*

عربی : قرطم بربی ، شوارب عنتر (Shawāreb ...)

گیاهی علفی، دارای بوی ناپسند و شیرهای به رنگ سایل به قرمز است. گلپای به رنگ زرد طلائی دارد. سیوه اش پس از رسیدن، دارای دانه های سیاه رنگ می شود. برگهای آن خشن، غده ای، چسبنده با بریدگیهای نسبتاً عمیق، لوب مانند و بدون خار است و در قسمت های فوقانی ساقه، پوشیده از تارهای کم و بیش پنبه ای می گردد. دارای پراکنندگی وسیع در منطقه مدیترانه مانند جنوب فرانسه، ایتالیا و اداسه آن تا ایران و غیره است. در بعضی نواحی نیز به منظور استفاده از روغن دانه و یا اثرات در سانی گیاه، اقدام به پرورش آن می گردد (وجود آن در ایران، در بعضی کتب علمی تایید نشده است).

روغن دانه این گیاه نیز اثر نسبتاً خشک شونده دارد. دانه آن دارای ۰۵ درصد روغن با حالت روان و به وزن مخصوص ۰۹۲۲ در گرمای ۲۰ درجه است. مقدار درصد اسیدهای چرب اشباع شده آن برابر ۱۴ درصد و اسیدهای اشباع نشده آن مانند اسید اولئیک (۱۲٫۴ درصد) و اسید لینولئیک (۷٫۴ درصد) یعنی از نظر کلی تقریباً معادل گیاه قبلی است.

**خواص درمانی** - دارای اثر معرق، تب بر، ضد کرم و قاعده آور است.

در استعمال خارج، از آن سابقاً به عنوان ضد عفونی کننده و التیام دهنده زخمها و حتی اولسره های غانقرا یائی استفاده بعمل می آمده است.

**محل رویش**: در گیلان (ناحیه ایسپیلی)، مغرب ایران: اشتران کوه، جام تونه در کرمانشاه، بوشهر، بیشه در ۱۲۰۰ متری، شهبازان، کشور و خاوران در ارتفاعات ۱۲۰۰ متری می روید (Fl. Iran).

### *Silybum Marianum* (L.) Gaertn.

*Carduus Marianus* L. ، *Cirsium maculatum* Scop.

فرانسه : *Silybe* ، *Chardon Notre - Dame* ، *Chardon argenté* ، *Chardon - Marie* ؛  
انگلیسی : *Blessed - thistle* ، *Ladie's thistle* ، *Milk thistle* ؛ ایتالیائی : *Cardo Mariano* ؛  
آلمانی : *Mutterdistel* ، *Silberdistel* ، *Frauendistel* ، *Echte Mariendistel* ؛  
عربی : *عکوب (Akub)* ، *حرفش بربی (Hahrshaf...)* ، *شوک النصارى* ، *شوک الدین*

گیاهی است دوساله، دارای ریشه ضخیم و ساقه ای منشعب به ارتفاع ۸۰ تا ۱۰۰ متر که به حالت خودرو در کنار جاده های ستروک، اراضی بایر و حدود خارجی زمین های زراعتی غالب نواحی اروپا و آسیا می روید. در دانمارک و انگلستان مخصوصاً منطقه مدیترانه تا ایران پراکنندگی دارد. این گیاه برگهای بزرگ با کناره های منقسم، دندانه دار، خاردار و به رنگ سبز شفاف دارد. خارهای نازک و ظریف راس دندانه های برگ این گیاه، رنگ زرد و ظاهر مشخص در مقابل رنگ سبز پهنک نشان می دهد ضمناً چون کناره رگبرگهای آن لکه های سفید دارد، مجموعاً باعث می شود که توجه به مشخصات برگ، باعث سهولت تشخیص آن از گیاهان دیگر این نیره گردد. کاپیتولهای آن درشت، منفرد و دارای گلپای لوله ای و ارغوانی رنگ است.

سیوه اش سیاه رنگ، شفاف، دارای تزئیناتی به رنگ زرد و منتهی به تارهایی با ظاهر دندانه دار است.



ش ۸ - *Silybum Marianum*: گیاه گلدار  
باندازه طبیعی (C.E. Zem.)

پرورش این گیاه به علت ظاهر زیبای کاپیتول درشت و برگهای سبز رنگ و شفاف آن، در باغها معمول است و مخصوصاً چون اگر در وسط چمن، به تعداد چند تائی کاشته شود، منظره زیبا بوجود می آورد، غالباً اقدام بدان می گردد.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای تانن، نوعی ماده تلخ، یک رزین و دانه آن نیز دارای یک ماده روغنی، آسیدون و سواد آلبوسینوئیدی می باشد. طبق عقیده H. Schultz، سواد مذکور در آلبوسن دانه، واقع در زیر پوسته خارجی آن وجود دارد از این نظر برای درمان بیماریها، صرف دانه له شده آن توصیه گردیده است.

طبق بررسی های جدید، وجود ماده ای به نام کتی سین cnicine در برگ های گیاه و تیرامین tyramine در دانه های آن ذکر شده است.

تیرامین (تیروزامین tyrosamine، اوتیرامین Uteramine، توکوزین Tocosine، سیستوزن Systogene)، به فرمول  $C_{18}H_{11}NO$  و به وزن ملکولی ۱۳۷٫۱۸ است. تیرامین از تیروزین، بر اثر جدا کردن کربوکسیل (carboxyl) از آن، به دست می آید. علاوه بر Silybum Marianum، در اعضای گیاه دیگری به نام Viscum album L. (گی) و در بافت های حیوانی که پوسیدگی و عفونت حاصل کرده باشند، همچنین در پنیسکهنه وارگو ergot یافت می شود.

سنتز آن نخستین بار در سال ۱۹۰۹ توسط Berger (1) و در سنوات بعد به تدریج توسط محققینی مانند Buck و Wasser صورت گرفته است.

تیرامین، به حالت متبلور در بنزن یا الکل به دست می آید. در گرمای ۱۶۴-۱۶۵ درجه ذوب می شود. هر گرم آن در ۹۵ میلی لیتر آب ۱۵ درجه و ۱۰ میلی لیتر آب جوش محلول است. در بنزن و گزین نیز به مقدار کم حل می شود.

کلیدرات آن به فرمول  $C_{18}H_{11}NO.HCl$  در مخلوط الکل و اثر به حالت متبلور به دست می آید. نقطه ذوب آن، گرمای ۲۶۹ درجه است در آب حل می شود و محلول حاصل، واکنش خنثی دارد.

از سیوه Silybum Marianum (L.) Gaertn. ماده ای به نام سیلی مارین-گروپ Silymarin - Group به فرمول  $C_{40}H_{56}O_{11}$  و به وزن ملکولی ۴۸۲٫۴۳ (شامل سه ایزومر اصلی به نام های سیلی بین silibin که قبلاً سیلی مارین نامیده می شد، سیلی دیانین silydianin

1 - Berger, J. Chem. Soc. 95, 1127 (1909).

وسیلی کریستین silychristin) استخراج گردید و این عمل همراه بررسی های شیمیائی مربوطه، نخستین بار توسط Wagner و همکارانش انجام گرفت (1).

سیلی مارین-گروپ، اثر رفع سمومیت های کبدی دارد و از آن برای نارسائی های اعمال کبد استفاده می شود.

**خواص درمانی** - استفاده درمانی از این گیاه، مدتها به علت عدم تشخیص آن از گونه های مشابه، بین مردم معمول نبوده است. از قرن ۱۶ میلادی به بعد، مصرف آن در تغذیه و درمان بیماریها بین مردم معمول گردید بطوری که از برگهای سبز آن به صورت خام در تهیه سالاد استفاده بعمل می آمد و ریشه آن نیز در تهیه اغذیه (راگو) و سرپا بکار می رفت.

ریشه و اعضای هوائی این گیاه، طعم تلخ و اثر اشتها آور، مقوی، مقوی سعه و سدردارند. از این جهت در طب عوام از آنها پیوسته در مداوای بیماریهای طحال و کبد، درمان یرقان، یبوست های مزمن، دفع رسوبات و سنگهای صفراوی، اشکال و وقوع حالت قاعدگی و غیره استفاده بعمل آمده است. در معالجه تشنج کبدی و بطور کلی نارسائی اعمال کبد، مفید واقع می شود.

بررسی های W. Bohn در سال ۱۹۲۷ نشان داد که مصرف فرآورده های این گیاه در درمان بیماریهای کبدی که به صورت یرقان بروز نموده باشد و همچنین در رفع دردهای مربوط به طحال (Splénalgie) اثر مفید ظاهر می کند.

Dr. H. Leclerc و همکارانش در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ میلادی نشان دادند که فرآورده های دانه این گیاه در درمان پائین بودن دائم فشارخون، رفع سردردهای یکطرفه (Migraines) و کهیر ناشی از آنافیلاکسی، بیماریهای کبدی و عدم ترشح و دفع صفرا یا خستگی های ناشی از کار زیاد، سل ریوی مخصوصاً در مرحله پیشرفت بیماری، اختلالات هضمی، فراخ شدن مرضی سیاهرگهای یک عضو، انبساط و کشیدگی دردناک سیاهرگهای درون جمجمه، دریاگرفتگی و بروز عوارض ناشی از مسافرت با قطار، راه آهن یا اتوموبیل و یا نظایر آن، اثرات مفید ظاهر می نماید.

از محاسن فرآورده های این گیاه آن است که هیچ گونه سمیتی ندارد و می تواند به طور مداوم مصرف شود.

بررسی های مختلف نشان داده است که جوشانده و تنطور حاصل از دانه این گیاه، اثر بندآورنده خون ظاهر می نماید.

1 - Wagner et al., Arzneimittel - Forsch. 18, 688 (1968).

**صورداروئی:** برگ گیاه به صورت تنظورویه مقدار ۲-۵ گرم در روز. دانه گیاه به صورت مختلف مانند گرد به مقدار ۱ تا ۲ گرم در روز- عصاره نرم به مقدار ۲۰ ر. تا ۵۰ ر. گرم در روز- عصاره هیدروالکلی به مقدار ۱۰ ر. تا ۲۰ ر. گرم در روز به صورت حب های ۵۰ ر. گرمی- تنظور به مقدار ۱۰ قطره در کمی آب نیمگرم و نیم ساعت قبل از هر غذا مصرف می شود.

**محل رویش:** شمال ایران: گرگان، گنبد کاووس، بین گرگان و نوده در ارتفاعات. ۱۰ تا ۵۰ متری. مازندران: کلاردشت، بابل در ارتفاعات. ۵۰ متری، امارت در دره راز در ارتفاعات ۵۰ متری، سمرقند، سمرقند، آذربایجان: دشت سرغان. کرمانشاه: کوه نوه (Nevoh). لرستان: باغ سراب در ارتفاعات. ۸۰ متری، پشت کوه، خوزستان: شوش، حمیدیه، ۲۰ کیلومتری راهرس، جنوب ایران، فارس: کازرون، بوشهر، برازجان.

### \* *Saussurea Lappa* Clarke

فرانسه: *Costus* هندی: *Kust*، *Kot*، عربی: *كوست* (Kust)، *كوست بحری*

گیاهی علفی، چندساله و دارای ساقه ای به ارتفاع ۱۲ تا ۲ متر است. برگهای قاعده ساقه گیاه به طول ۶ ر. تا یک متر، مثلث شکل و دنداندار ولی برگهای قسمت فوقانی آن، کوچکتر، دنداندار و دارای دولوب در قاعده می باشد. کاپیتول های آن سدر، به قطر ۲ تا ۳ سانتیمتر و مجتمع در طول ساقه و یا در قسمت های انتهائی آن است. انولوکری مرکب از براکته های فراوان، با ظاهر بیضوی نوک تیز ولی عاری از تار، کاپیتولها را از خارج فراسی گیرد. گلهای کاپیتول ها عموماً لوله ای، بزرگ، به طول ۲ سانتیمتر و به رنگ آبی ارغوانی یا تقریباً سیاه رنگ است. در بعضی از نواحی جنوبی آسیا مانند هند و ارتفاعات هیمالیا پراکنده است.

**ترکیبات شیمیائی:** ریشه گیاهی که در دانه های سرطوب شمال هیمالیا، در ارتفاعات بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری می روید، دارای سوادى به شرح زیر می باشد:

۱۰ درصد اسانس، ۵۰ درصد از نوعی الکلوتید به نام *سوسورین saussurine*، ۶ درصد رزین همراه با نوعی ماده روغنی، یک ماده تلخ، مقادیر بسیار کم از تانن، اینولین، نیترات پتاسیم، قند و غیره.

اسانس مذکور از ریشه خشک و نیمکوب گیاه، بر اثر تقطیر با بخار آب حاصل می شود و به نام *Costus Root oil* موسوم است. استخراج آن به کمک یک حلال و سپس تقطیر ماده رزینی آن، در حلال انجام می شود.

رنگ آن زرد روشن تا قهوه ای و دارای حالت چسبنده است. بوی مخصوص و پایدار مشابه بوی

بنفشه، زنبق (*Iris florentina*) و از خیر (*Vetivera zizanioides* Steud.) دارد. در غالب روغن های ثابت و معدنی حل می شود ولی در گلیسرین و پروپیلن گلیکول غیر محلول است. وزن مخصوص آن بین ۹۹۹ ر. و ۱۰۰۰ ر. می باشد. باید در ظروف شیشه ای یا آلومینیومی در بسته، به صورت سملو، دور از نور و در جای سرد نگهداری شود.

بوی اسانس، قوی، نازک و دارای خاصیت ضد عفونی کننده است. ماهیچه های غیر ارادی را آرامش می بخشد. اثر نیرو دهنده قلب، بادشکن، خلط آور و سدر ظاهر می سازد.

به مصارف معطر ساختن و خوش طعم کردن مواد غذایی می رسد.

**سوسورین:** اثر خفیف ولی مداوم در بالا بردن فشارخون دارد به علاوه نیروی انقباض و دایره انقباض بطن ها را افزایش می دهد.

**خواص درمانی:** ریشه گیاه دارای اثر مقوی باه است و از آن برای درمان باد سرخ، بیماریهای پوستی منشاء قارچهای طفیلی و خارش نیز استفاده می گردد. به علاوه آرام کننده درد، قاعده آور، مقوی، معالج آسم و رفع کننده سرفه و التهاب است (*yunani*) ضمناً با بررسی هائی که بعمل آمده، خلاف آنچه که شهرت دارد، در دفع کرم، درمان سالاریا، جذام و رماتیسم اثر درمانی ظاهر نمی کند.

در ایران نمی روید.

### *Onopordon Acanthium* L.

*O. acanthifolium* Gilib.، *Acanos spina* Scop.

فرانسه: *Epine blanche*، *Onoporde*، *Ch. acanthin*، *Chardon aux ânes*؛

انگلیسی: *Argentine thistle*، *Wild artichoke*، *Common cotton thistle*؛

آلمانی: *Breite Wegdistel*، *Gemeine eselsdistel*، *Eselsdistel*؛

ایتالیایی: *Acanzio*، *Scardiccione - salvatico*، *Acantio*، *Spina bianca*؛

عربی: *شکاعی (Shukââ)*، طویه (*Tawbah*)، راس الشیخ

گیاهی علفی و دارای ساقه ای به ارتفاع یک تا دو متر، پوشیده از تارهای پنبه ای سفید با ظاهری کاملاً مشخص است. از اختصاصات آن این است که اولاً ساقه اش انشعاب کم دارد و ثانیاً سراسر طول ساقه اصلی و شاخه های آن، دارای کناره ای بالمانند، لویدار و خاردار است. برگهای آن بزرگ، بیضوی دراز با کناره لویدار و دندانهای منتهی به خارهای قوی و نوک تیز است. کاپیتول آن منفرد، خیلی بزرگ، مرکب از گلهای لوله ای قرمز رنگ و دارای براکته هائی

است که قاعده آنها پوشیده از تارهای پنبه‌ای ولی رأس آنها منتهی به نوک باریک، دراز و خمیده می‌باشد. میوه آن فندقه، برنگ خاکستری، مستقوس بد لکه‌های سیاه و منتهی به یک دسته تار خرمائی رنگ است.



ش ۹ - Onopordum Acanthium: سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)  
گل، میوه، دانه (Emberger)

ظاهر سفیدرنگ و گل‌های درشت و زیبای گیاه باعث شده که پرورش آن در بعضی نواحی معمول گردد. زنبور عسل، نوش کافی از کاپیتولهای درشت این گیاه به دست می‌آورد. ترکیبات شیمیائی - دانه گیاه دارای ۲۰ تا ۲۵ درصد روغن قابل استخراج است. در نهنج و قاعده برا کته‌ها نیز مقدار زیادی اینولین یافت می‌شود.

روغن دانه این گیاه، حالت روان، رنگ زرد و وزن مخصوصی برابر ۰.۸۸۴. در گرمای ۷۸ درجه دارد. اندیس انکسار آن در گرمای ۷۰ درجه معادل ۱.۴۵۹، اندیس صابونی آن بین ۱۸۳ و ۱۹۳ و اندیس ید آن بین ۱۳۶ و ۱۴۳ است. روغن مذکور را می‌توان به مصارف تغذیه رسانید. مشخصات آن شباهت به روغن میوه بابا آدم یعنی *Arctium Lappa* دارد.

**خواص درمانی** - از جوشانده ریشه این گیاه سابقاً به عنوان مدر، مقوی سعه، اشتها آور و برای معالجه ذات‌الجنب، استفاده بعمل می‌آمده است. اثر دادن شیر گیاه تازه و برگ‌های له شده آن بر روی پوست بدن جهت رفع زخمها و معالجه کچلی، جرب و اولسرها، مخصوصاً اولسرها ناحیه صورت، *Lupus*، و غیره توصیه شده است ضمناً چنین شهرت دارد که اولسرها شاکری ناحیه صورت را معالجه می‌کند و در درمان حالت سرطانی نیز اثر مفید ظاهر می‌سازد. ساقه پوست کنده این گیاه در اسپانیا و ایتالیا به مصرف تغذیه می‌رسد. نهنج کاپیتولهای آن نیز در حالتی که هنوز شکفته نگردیده و گلها ظاهر نشده، از قدیم الایام به صورتی که کنگر فرنگی مصرف می‌شود مورد استفاده مردم بوده است.

**محل رویش** - شمال ایران - گرگان: آزادشهر، اطراف حاجی لنگ، سازندران: بین گدوک و عباس آباد در ۲۰۰ متری، قریه استخر پشت در ۵۰۰ - ۷۰۰ متری، کندوان در ۲۶۵ متری. آذربایجان: محمدآباد نزدیک تبریز، ۱۵ کیلومتری شمال خوی، نزدیک ساکو در ۱۸۰۰ متری، همدان: دره سراباغ، اصفهان: دسب کمر، نزدیک خونسار، لرستان. اطراف تهران: رودهن در ۱۲۰۰ متری، گچسار، دساوند، شاهرود - بسطام، بین شاهرود و چهل دختر در ۲۵۰۰ متری. داسغان - سمنان، بین فیروزکوه و ویشم در ۱۹۰۰ - ۲۰۰۰ متری شه میرزاد.

**O. leptolepis DC.** - گیاهی پوشیده از کرک‌های سفیدرنگ و دارای ساقه کم و بیش بالدار با کناره خاردار است. در نواحی مختلف خراسان، کرج، ری، اطراف تهران، نواحی غربی ایران، بلوچستان و مسجد سلیمان می‌روید. در نمونه‌های جمع‌آوری شده از نواحی شمالی ایران، دو *Germaacranolides* جدید و دو *Elemanolides* جدید با اثر ضد توموری از آن به دست آمده است (۱).

1 - Abdolhosein Rustaiyan et al., *Phytochemistry*, Vol. 18, pp. 883-884, 1979; pp. 879 - 880.

**Cirsium arvense (L.) Scop.**

Cnicus arvensis Hoffm. ، Carduus arvensis Robs.

فرانس: Herbe aux varices. Ch. des champs ، Cirse des champs

انگلیسی: Common thistle آلمانی: Acker - kratsdistel ، Futterdistel

ایتالیایی: Stoppione ، Sardaccione ، Astone عربی: شوكة البواسیر

گیاهی علفی، پایا و دارای ساقه راست به ارتفاع ۴۰ سانتیمتر تا ۱ متر است. غالباً در مزارع، اما کن بایر و کنار جاده‌ها می‌روید. وجود آن در مزارع، زیان‌آور است و چون سهولت حتی با جزئی‌ترین قسمت ریشه‌آن، ایجاد یک گیاه علیحده می‌شود از این جهت به مجرد پیدایش در مزارع باید اقدام به خارج کردن آن نمود. برگهای گیاه دارای بریدگیهای عمیق دنداندار و منتهی به خارهای فراوان است ولی بر روی ساقه، به صورت زائده بال مانند امتداد پیدا نمی‌کند. کاپیتولهای آن به صورت نوعی گل آذین دینیم دور هم گردآمده و هر یک سر کب از گلهای لوله‌ای به رنگ ارغوانی است. آنچه که تشخیص این گیاه را آسان می‌کند آن است که گلهای آن به دو صورت متفاوت است بطوری که بعضی از آنها منحصراً دارای پرچم و برخی دیگر فقط دارای سادگی می‌باشند ضمناً آنولوکر آن، ظاهری بیضوی یا استوانه‌ای دارد و در هر یک از آنها نیز قسمت انتهائی برا کته‌های خارجی، قهوه‌ای رنگ است. در نصف قسمت آزاد برا کته‌های خارجی، یک خط برجسته دیده می‌شود. انشعابات ساقه این گیاه عموماً از ناحیه مجاور رأس آن شروع می‌شود و این خود باعث می‌گردد که تشخیص آنرا از فاصله نسبتاً دور، سیر می‌نماید. زنبور عسل از کاپیتولهای متعدد این گیاه، مانند گیاه قبلی نوش بسیار خوب و فراوان به دست می‌آورد.

ترکیبات شیمیائی - قسمت‌های مختلف این گیاه دارای نوعی گلوکزید سولف اسیدسیانیدریک و گلوکزید دیگری به نام تی‌لیاسین tiliacine، یک الکالوئید و اسانس است. در خاکستر آن، اسلح کلسیم و سیلیس یافت می‌شود.

تی‌لیاسین، علاوه بر گیاه مذکور در گلهای زیرفون نیز یافت می‌شود.

تی‌لیاسین، برابر هیدرولیز، تجزیه می‌شود و به گلوکز و ساده‌ای به نام تی‌لیارتین tiliaréline تبدیل می‌گردد. ساده‌خیر اگر اکسید شده‌شود، به صورت اسید آیزیک acide anisique تغییر شکل حاصل می‌کند (Reutter L.).

خواص درمانی - ریشه گیاه اثر مقوی دارد. سابقاً از اعضای آن برای معالجه هاری و به عنوان مدر، اشتها آور و رفع کننده بیماریهای پوستی، استفاده بعمل می‌آمده است.

برای مقدار آبی که در گودی محل اتصال برگهای این گیاه به یکدیگر، جمع می‌شود اثر رفع ورم چشم ذکر شده است بعلاوه برای آن اثر نرم کننده و جلادهنده رنگ پوست بدن قائل اند. محل رویش - کرج، اطراف تهران، مغرب ایران: اراضی سنگلاخی ارک، اصفهان، لرستان و ازنا در ۱۸۰۰ متری (Fl. Iran).

در بعضی کتب علمی بجای گیاه مذکور وارپته‌ای از آن بهمان نام در نواحی مختلف زیر ذکر گردیده است:

گیلان: اسالم، خلخال در ارتفاعات ۱۳۰۰ متری. آذربایجان: بین تبریز و اهر، اطراف تبریز، مغرب ارومیه، نواحی غربی ارک. اصفهان: دامنه فریدون. فارس: اطراف شیراز، ۲۲ کیلومتری پرس پولیس. کرمان: کوه لاله زار. سیستان. اطراف تهران: قزوین، طالقان در ۲۰۰ متری، اطراف کرج (Fl. Iranica N. 139 a.).

ساقه خیلی جوان و گوشتدار **C. oleraceum (L.) Scop.** \* در بعضی نواحی مانند سیبری و ریشه **C. tuberosum (L.) All.** \* در اروپا، مشروط بر آنکه در پائیز از زمین خارج شده باشد، به مصرف تغذیه می‌رسد.

**C. japonicum DC.** \* گیاهی علفی، چندساله و دارای ریشه‌های افشان نسبتاً قطور، ساقه راست و پوشیده از خارهای سفیدرنگ است. در دامنه‌های آفتابگیر چین، ژاپن و ویتنام می‌روید. برگهای بیضوی، دراز و نوک تیز و منقسم به قطعات دنداندار، منتهی به خار و گلهای ارغوانی قرمز دارد. ریشه‌اش به مصارف درمانی می‌رسد.

دارای اثر مدر، بندآورنده خون و ضدالتهاب است و از آن در درمان خونریزیهای رحمی، وجود خون در ادرار (هماتوری) و رعاف، (خون آمدن از بینی) بمقدار ۳ گرم در روز به صورت جوشانده استفاده بعمل می‌آید.

هیچیک از ۳ گیاه اخیر در ایران نمی‌رویند.

**Cynara scolymus L.**

فرانس: Artichaut ، Artichaut commun انگلیسی: Arichoke

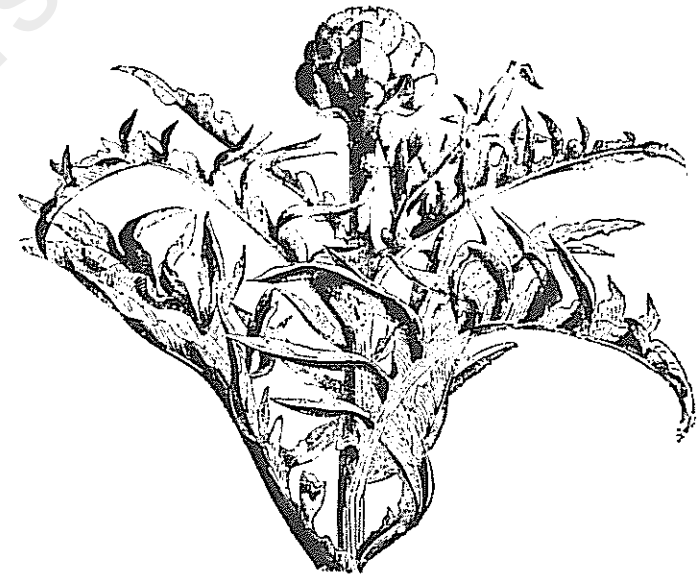
آلمانی: Artischoke ایتالیایی: Artichocco ، Carcioffo عربی: خرشوف

فارسی: کنگر فرنگی

گیاهی است پایا و دارای ساقه راست، شیاردار و به ارتفاع ۲۰ سانتیمتر تا ۱ متر که منشاء اولیه آن در منطقه مدیترانه بوده است ولی امروزه به علت پرورش، به منظور تغذیه و استفاده‌های دارویی، در نواحی مختلف یافت می‌شود.

کنگر فرنگی، ریشه حجیم و برگهای بسیار بزرگ، منقسم به قطعات نامنظم و دنداندار دارد. سطح فوقانی پهنک برگهای آن نیز به رنگ سبز ولی سطح تحتانی آن به علت دارا بودن تارهای سفید رنگ و فراوان، پوشیده از کرک بنظر می رسد.

کاپیتول آن بسیار بزرگ و شامل گلهای لوله ای، محصور در براکته هائی با ظاهر متفاوت (برحسب نژادهای مختلف گیاه) است ولی این براکته ها در نژادهای مختلف، ممکن است در قسمت انتهائی، با ظاهر گرد یا نوک تیز و غیره باشد. ناحیه غیر آزاد براکته های آن که به قاعده کاپیتول پیوستگی پیدایی کند، گوشتدار و دارای ذخائر غذایی مختلف است. نهج ضخیم و گوشتدار آن شامل گلهای زیبایی به رنگ آبی یا آبی سایل به بنفش و سیوه اش شفاف، به رنگ قهوه ای تیره و منتهی به تارهای سفید و متعددی در قسمت انتهائی است.



ش ۱۰ - *Cynara scolymus* : سرشاخه گلدار (Bail).

پرورش کنگر فرنگی از دو نظر، یکی به منظور تغذیه از قسمت گوشتدار براکته های آن و دیگری برای استفاده های درمانی پیوسته صورت می گیرد.

این گیاه در ایران به نام خارجی آرتیشو (Artichaut)، معروف است.

برگ آرتیشو از نظر درمانی دارای ارزش زیاد است.

ترکیبات شیمیائی - قاعده نهج کاپیتولهای کنگر فرنگی دارای مقدار زیادی اینولین و

قسمت گوشتدار براکته های آن دارای اینولاز و برگ آن دارای یک ماده تلخ اسید به نام سینارین است. cynarine.

سینارین (Cynarine) (cinarine، لیس تروکول Listrocol، پله موسیل Plemocil)، به فرمول  $C_{40}H_{74}O_{13}$ ، به وزن ملکولی ۱۶۴۴ و ماده مؤثر برگ های کنگر فرنگی یا آرتیشو Artichaut است. استخراج این ماده توسط Panizzi و Scarpati (1) و نخستین سنتز و پیشنهاد فرمول گسترده آن توسط panizzi و همکارانش (2) صورت گرفته است.

سینارین، در اسید استیک رقیق به حالت متبلور در سی آید، طعم شیرین دارد. در گرمای ۲۲۵ تا ۲۲۷ درجه ذوب می شود. به مقدار کم در آب سرد و بمقدار نسبتاً بیشتر در آب جوش محلول است. در اسید استیک گلاسیال و الکل ها حل می گردد.

سینارین از نظر درمانی، اثر زیاد کننده ترشحات صفرها دارد و از این نظر است که برگ و براکته های آرتیشو، به عنوان صفرایر مورد استفاده قرار می گیرند.

تاریخچه - بنظر می رسد که تاریخ شناسائی کنگر فرنگی، به خلاف آنچه که G. Gibault اظهار داشته، به زمانهای خیلی دورتر از قرن ۱۵ میلادی باید نسبت داده شود، زیرا در آثار حکماء و گیاهشناسان قدیم، دلایلی مبنی بر تأیید این مورد می توان یافت. امروزه نوع پرورش یافته این گیاه را، نمونه اصلاح شده و تغییر شکل یافته ای از گونه وحشی این گیاهان به نام *Cynara cardunculus* L. می دانند که در منطقه وسیعی از مدیترانه پراکنده گی دارد. در اینید قدیمه مصریان، در بین نقوش هدایا و سیوه ها، کاپیتولهای درشتی به چشم می خورد که بی شباهت به مخروط سیوه کاج نیست ولی تشخیص دقیق آن از اینکه با کاپیتول نوع وحشی یا پرورش یافته گیاه مذکور قابل انطباق است، مشکل بنظر می رسد.

کنگر فرنگی، در آثار تفوفراست در قرن چهارم قبل از میلاد، تحت نام Pternia آمده است و چنین ذکر گردیده که کاپیتول یا نهج این گیاه، به مصرف تغذیه مردم (مانند امروز) می رسیده است.

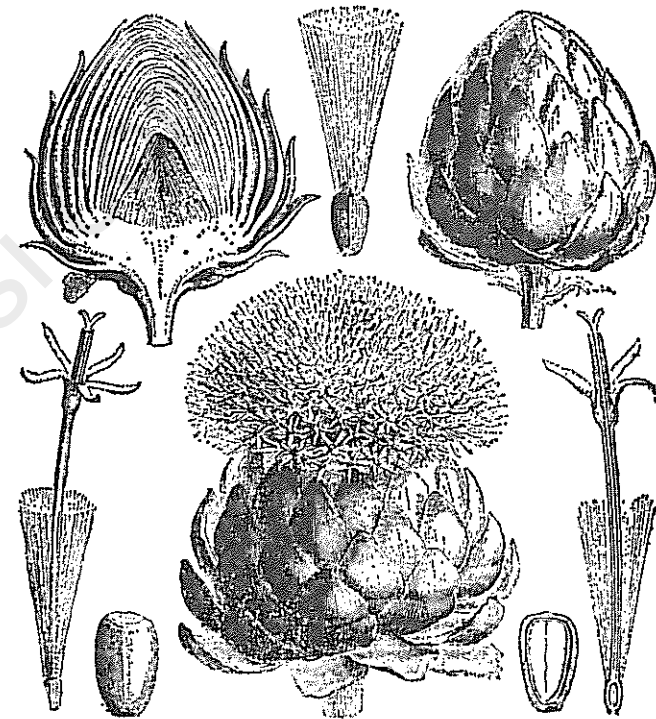
پرورش کنگر فرنگی در قرن اول تا چهارم میلادی، بین مردم آن زمان معمول بوده و حتی نمونه های متفاوتی از نظر درشتی و رنگ کاپیتول، از این گیاه وجود داشته است. استفاده از خواص درمانی برگ و ساقه کنگر فرنگی، از قرن ۱۴ میلادی در بین مردم معمول گردید و از آن

1 - Panizzi, Scarpati, Grazz. Chim. Ital. 84, 792 (1954).

2 - Panizzi et al., Ibid 806; U. S. pats. 2, 863, 909 and 3, 100, 224 (1958).

1963, both to Farmitalia).

زمان به بعد تدریجاً توجه به آن از نظر درمانی زیاد شد بطوری که در قرن حاضر، دانشمندانی نظیر J. Barel, Dr. H. Leclerc و غیره، موفق به درک اختصاصات طبی گیاه به نحو کامل گردیده و توانستند آنرا به طریق صحیح به مردم بشناسانند.



ش ۱۱ - Cynara scolymus: کاپیتول به حالات غنچه و شکفته - گل و برش قائم آن، میوه و برش طولی آن

**خواص درمانی** - کنگر فرنگی علاوه بر آنکه براکت هایش پس از پختن کاپیتولها، به مصرف تغذیه می رسد، اعضای دیگر آن به علت طعم تلخ و مواد مؤثری که دارند، موجب تحریک و افزایش ترشحات صفرا و دفع ادرار می گردند و از این نظر در بیماریهای مربوط به این دو عضو می توانند مصرف شوند. در عین حال اثر مقوی، مدر، مقوی معده، صفرا بر، تب بر و ضد رماتیسم دارند و می توان از آنها در اختلالات کبدی نظیر یبوست های ناشی از عدم دفع صفرا، وجود صفرا در خون، ورم روده، پیدایش تخمیرات و مسمومیت های ناشی از عدم دفع مواد از روده، زردی، قولنج های کبدی، سنگ های صفراوی، افزایش کلسترول خون، احتقان کبدی، بیماریهای کبدی،

گرمسیری و غیره استفاده بعمل آورد. مصرف آن در بیماریهای مختلف مانند مرض قند ناشی از نارسائی اعمال کبد، چاقی، سردرد های یکطرفه، کهیر، آسم، نقرس، سنگ کلیه، تصلب شرائین، رماتیسم، کمی دفع ادرار، بیماریهای پوست مانند آگزما، التهاب و ورم پوست بدن، Prurigo و غیره اثر مفید ظاهر می کند ضمناً در بیماریهای نظیر آنژین، گریپ و تب های گرمسیری موجب دفع سموم از بدن بیمار از راه ادرار و بهبود بیماری می شود.

بررسی های جدید Dr. L. Tixier و همکارانش که بر روی بیماران مختلف بعمل آمده، موجب گردید که مصرف برگ کنگر فرنگی، مخصوصاً ماده مؤثر و قابل تبلور و تزریق آن در درمان بیماریهای مختلف ناشی از افزایش کلسترول و رسوب آن در عروق، نظیر سرگیجه، احساس صداهائی در گوش، مگس پران (mouche volant)، سردرد، اضطراب، سورسور- شدن، احساس بیحالی و خستگی در بندهای انگشت، رنگ پریدگی زمان یانسگی و بسیاری از موارد دیگر پیشنهاد گردد تا از آن در موارد مذکور استفاده بعمل آید.

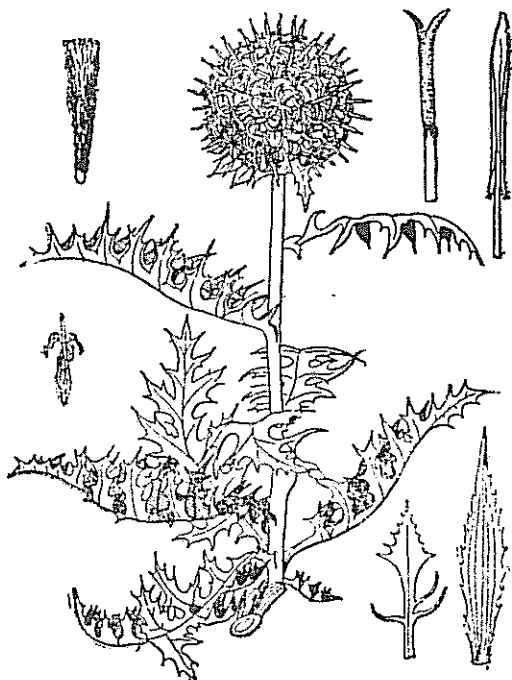
درباره اثر درمانی برگ آرتیشو، بررسی های جدیدی با همکاری انستیتوسی فیتوتراپی فرانسه به عمل آمد (۱). پروفیسور F. Mortier، فارماکولوژیست شهر نانسی (در فرانسه)، محقق نمود که مواد مؤثر آرتیشو اگر پس از استخراج از گیاه، عاری از سمینارین گردد، هیچگونه اثر درمانی ظاهر نمی کند و اگر آنرا پس از استخراج از گیاه نیز به یک موش صحرائی که حالت طبیعی داشته باشد تزریق کنند باز هم هیچگونه تغییری در جانور به وجود نخواهد آورد. برعکس اگر جانور را به طور آزمایشی مبتلا به زیاد شدن ترشحات صفرا (hypercholerèse) و یا کم شدن ترشحات صفرا (hypocholerèse) نمایند مشاهده خواهد شد که به کار بردن عصاره گیاه مذکور (پس از استخراج از گیاه) در هر دو حالت مذکور که بطور آزمایشی بوجود آمده، ترشح صفرا را در موش صحرائی به حالت طبیعی برمیگرداند. مشابه همین عمل در موارد کم بودن یا زیاد بودن حجم دفع ادرار نیز به ظهور می رسد یعنی میزان ترشح و دفع را به حالت طبیعی برمی گرداند. تزریق مقدار معین عصاره نیز در این کار مؤثر است.

جوشانده ریشه کنگر فرنگی در شراب سفید و همچنین مخلوط شیره برگ های تازه آن در شراب، در رفع آب آوردن انساج مؤثر می باشد.

کنگر فرنگی در رفع ورم حاد و مزمن کلیه و مسمومیت های ناشی از عدم دفع ادرار، خارش اطفال و غیره اثر رضایت بخش دارد.

**صور داروئی** - شیره تازه برگ به مقدار ۳ تا ۱۰ گرم مخلوط در یک لیوان شراب سفید - جوشانده ۳ تا ۴ در هزار برگ یا ریشه گیاه در آب یا شراب به مقدار ۳ فنجان در روز، ۱۵ تا

ترکیببات شیمیائی - سیوه این گیاه دارای یک الکالوئید سمی به نام اکینوپسین Echinopsine به فرمول  $C_{11}H_9NO$  (طبق بررسی های Kobert) و گل‌های آن دارای نوعی اسانس به نام اسانس اکینوپس Essence d' Echinops به مقدار ۰.۲ تا ۰.۲۸ درصد و یک ماده اسیدی چرب است.



ش ۱۲ - Echinops Ritro : سرشاخه گلدار - اجزاء گل (C. E. Zem.)

اکینوپسین Echinopsine ، الکالوئیدی به فرمول  $C_{11}H_9NO$  و به وزن ملکولی ۱۵۹۱۸ است. از Echinops Ritro L. و بعضی دیگر از انواع آن، استخراج شده است (۱). سنتز آن توسط Kondo و Ikawa صورت گرفته است (۲).

اکینوپسین، به صورت بلورهای سوزنی شکل در بنزن به دست می‌آید. نقطه ذوب آن، در گرمای ۱۵۲ درجه است. هر گرم آن تقریباً در ۶ سانتیمتر مکعب آب و در ۶ سانتیمتر مکعب

1 - Greshoff, Rec. Trav. Chim. 19, 360 (1900).

- Ban, Kovskii et al., Dokl. Akad. Nauk SSSR, 148, 1073 (1963).

2 - Kondo, Ikowa, J. Pharm. Soc. Japon. 51, 702 (1931).

۲ دقیقه قبل از غذا - عصاره هیدرو الکلی به مقدار ۰.۶ تا ۱.۰ گرم در روز قبل از غذا (به صورت حب، ۳ تا ۵ روز) - تنطور حاصل از خیساندن ۰.۰۵ گرم برگ در یک لیتر الکل به مقدار ۸ تا ۳۰ گرم و سه دفعه در روز (مدت خیساندن باید ۱۰ روز باشد). از برگ و براکته های این گیاه در تهیه فرآورده های مختلف، مخلوط با اعضای گیاهان دیگر، استفاده به عمل می‌آید. براکته های گوشتدار کنگر فرنگی برای مصارف تغذیه در ایران پرورش می‌یابد.

Cynara humilis L. ، در الجزیره می‌روید و دم کرده ریشه آن به مصارف رفع

التهاب و تورم کبد می‌رسد

### Echinops Ritro L.

E. tenuifolius Fisch. ، E. ruthenicus M. B.

فرانسه : Boulette - azurée ، Boulette انگلیسی : Globe thistle

آلمانی : Russische - Kugeldistel ایتالیائی : Echinops minore

گیاهی است پایا و دارای ساقه راست، معمولاً منشعب در انتها و به طول ۱.۰ تا ۰.۴ سانتیمتر که ظاهری بسیار زیبا، مخصوصاً پس از گل دادن دارد. برگهای آن دارای پهنکی با تقسیمات عمیق دنداندار و منتهی به یک خار دراز و نوک تیز در رأس هر دندانه است. از مشخصات آن این است که پهنک برگ آن دارای دو رنگ متمایز، یکی سفید در سطح تحتانی و دیگری سبز روشن در سطح فوقانی است. پراکندگی آن در محیط های مختلف به صورتی است که معمولاً در دامنه های آتاقبگیر و سنگلاخی، تا ارتفاعات ۱۳۵۰ متری حتی بیشتر می‌روید. در غالب نواحی مرکزی و جنوبی اروپا، در شمال آفریقا مخصوصاً مراکش و در آسیا و ایران نیز یافت می‌شود.

کاپیتول های کروی، آبی رنگ و زیبای این گیاه در فاصله ماههای تیر تا شهریور به تناسب محل رویش، در رأس ساقه و انشعابات آن ظاهر می‌شوند و در مجاورت برگهای دور رنگ گیاه، سنظره زیبا بوجود می‌آورند. ساقه و انشعابات آن نیز رنگ سفید پنبه‌ای، مانند سطح تحتانی پهنک برگ دارند. سیوه این گیاه پوشیده از تارهای زرد رنگ و در ناحیه رأس نیز منتهی به یک دسته تار می‌باشد.

این گیاه چون پس از گل دادن، ظاهری بسیار زیبا پیدا می‌کند از این جهت غالباً اقدام به پرورش آن مخصوصاً در قسمت سنگ چین باغها می‌شود. زنبور عسل از گل‌های فراوان کاپیتول آن، نوش سرغوب و فراوان به دست می‌آورد.



آب جوش حل می‌شود. در الکل، کلروفورم و بنزن خیلی گرم محلول است. انحلال آن در اتر، بسیار جزئی است.

ملح کلریدرات آن به حالت متبلور به دست می‌آید و در گرمای ۱۸۵-۱۸۶ درجه نیز ذوب می‌شود.

ملح پیکرات آن به فرمول  $C_17H_{19}NO_7 \cdot C_4H_8N_2O_6$  است و به صورت بلورهای زرد رنگ متبلور می‌شود. در گرمای ۲۲۳-۲۲۴ درجه ذوب می‌گردد.

**خواص درمانی** - کلیه قسمتهای این گیاه به استثنای میوه آن که سمی است، اثر مدر و معرق دارند و سابقاً از آنها جهت مداوای بیماریهای پوستی و به عنوان معرق استفاده بعمل می‌آمده است ولی امروزه چون تفکیک آن از گونه‌های غیر دارویی برای مردم مشکل بنظر می‌رسد، استفاده از آن تدریجاً متروک شده است.

**محل رویش** - این گیاه در نواحی شمالی ایران، ارومیه، اراک، الوند، رزن، بروجرد، کوه دوسین (فریدن)، گرو، کرج، جاجرود و غیره می‌روید (Fl. Iran) وجود آن و گیاه زیر در ایران در بعضی کتب علمی تأیید نشده است.

از *Echinops viscosus* DC. که در نواحی شمالی ایران، شمیرانات (اوشان و نواحی دیگر)، ارومیه، تفرش، تبریز، خرم‌آباد، اطراف تهران، ایسپیلی (گیلان)، شیراز و غیره می‌روید (Fl. de l'Iran)، نوعی صمغ در کشور یونان تهیه می‌شود که Angado Mastische نام دارد و به مصرف جویدن می‌رسد.

گونه *Echinops sphaerocephalus* L. - گیاهی پایا، به ارتفاع ۰.۵ تا ۱.۳ متر است. برگهائی به دو رنگ نسبتاً متمایز و گلتهائی به رنگ آبی روشن یا سبیل به سفید دارد. اثر تب بر وضد اسهال ظاهری می‌کند. این گیاه در دامنه‌های سنگلاخی نواحی مختلف اروپا می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود.

دانه این گیاه و *E. Ritro* L. دارای ۲۰ تا ۳۰ درصد روغن قابل استخراج است. روغن آنها رنگ زرد روشن، حالت روان و اثر خشک شونده دارد. وزن مخصوص روغن نیز در گرمای ۱۵ درجه، بین ۰.۹۲۸ و ۰.۹۳۲ می‌باشد.

پرورش آن به علت زیبایی خاصی که دارد در نواحی مختلف معمول است. زنبور عسل از کاپیتولهای آن، نوش فراوان و سرغوب به دست می‌آورد.

نام عربی آن، شوک الجمل و رعی الابل (Ri'i et ibil) است.

*Echinops spinosus* L. ، گیاهی است که در ناحیه شمالی مصر و در سراسر

می‌روید. کاپیتولهای بزرگ آن دارای براکته‌های خاردار است و از آنها عصاره روانی تهیه می‌شود که اثر تنگ کننده مجاری عروق شبیه هاساسلیس و مارونیه دند دارد.

*Echinops dahuricus* Fisch. \* - گیاهی علفی، چندساله و به ارتفاع یک متر است. در چین، مغولستان و ژاپن پراکندگی دارد ولی در ایران نمی‌روید. گل‌های آبی رنگ و ریشه ضخیم دارد. قسمت مورد استفاده گیاه از نظر درمانی، قاعده ساقه و ریشه آنست که طعمی شور مزه دارند و از آنها جهت بند آوردن خون، درمان آبسه، جوش، دسل و رفع التهاب حفرات بینی استفاده بعمل می‌آید. مقادیر مصرفی آن ۰.۵-۱ گرم در روز است.

*Ch. xeranthoides* Desf. ، *Chardinia orientalis* (L.) O. Kuntze

گیاهی علفی، به ارتفاع ۱.۰-۲.۰ سانتیمتر، دارای برگهای ساده و کاپیتولهای مرکب از ۸-۱۰ گل لوله‌ای است. دانه‌اش دارای اسیدسیانیدریک به حالت ترکیب گلوکزیدی می‌باشد. در غالب نواحی ایران پراکندگی دارد، مانند آنکه در گیلان، منطقه وسیعی از مغرب ایران، نواحی شرقی ایران مانند خراسان؛ اطراف کاشمر (مرضیه ذاکری)، بجنورد، بین چناران و قوچان، ارتفاعات هزارسجد، کپه داغ، بین قوچان و علم‌علی (احمد ماهوان)، شیروان و همچنین در جنوب ایران می‌روید.

### \* *Carlina acaulis* L.

فرانسه : *Chardon doré* ، *Carline noire* ، *Carline acaule* ؛

انگلیسی : *Carlina thistle* آلمانی : *Eberwurz* ایتالیائی : *Carlina*

گیاهی است علفی، فاقد ساقه و یا دارای آن ولی به ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر که در اراضی بایر، دامنه‌های سنگلاخی و ارتفاعات واقع بین ۴۰۰ تا ۲۰۰۰ متر می‌روید. برگهای بزرگ با پهنک منقسم به قطعات عمیق، ناسنظم و خاردار دارد. از وسط برگهای آن، کاپیتول بزرگی خارج می‌گردد که به پهنای ۵ تا ۱۰ سانتیمتر می‌رسد. وضع قرار گرفتن کاپیتول در وسط برگها و ساقه کوتاهی که گیاه دارد، باعث می‌گردد که به سهولت از دور شناخته شود. انولوکر آن مرکب از براکته‌هایی است که داخلی‌ترین آنها مانند اشعه‌ای، به رنگ سفید تیره‌ای در اطراف گلها جلوه می‌کنند.

این گیاه در غالب نواحی اروپا پراکندگی دارد ولی در ایران اصولاً دیده نشده است.

قسمت مورد استفاده گیاه، ریشه آن است.

**ترکیبات شیمیائی** - ریشه این گیاه دارای اینولین به مقدار ۱۸ تا ۲۲ درصد، تانن، رزین، نوعی فرمان منعقد کننده شیر و اسانس با بوی معطر و مخدر، شبیه بوی شنبلیله است که به مقدار

۱ تا ۲ درصد در آن وجود دارد. این اسانس مرکب از سزکونی ترپن، کارلینی *carlinène* و یک ترکیب استیلن دارمی باشد.

**خواص درمائی -** مدر، معرق، مقوی معده، صفرابر و بطور خفیف ضد کرم، تب بر و التیام دهنده است. مصرف مقادیر زیاد آن، اثر سسلی، وقی آور ظاهر می کند.

در طی اپیدمی گریپ که در سال ۱۹۱۸ در اسپانیا اتفاق افتاد، *Dr. H. Leclerc* مشاهده کرد که بیماران مبتلا، اشتهاى طبیعی خود را با مصرف عصاره روان ریشه این گیاه (به مقدار ۳ تا ۵ گرم در روز) باز یافته، عمل دستگاه هضم و دفع آنها نیز به حالت عادی برمی گردد ضمناً با بررسی هائی که بعمل آمد این نتیجه حاصل شد که با مصرف این گیاه، اثرات مفید در رفع بیماریهای جلدی سزم، جوش صورت و آکزما به دست می آید.

در استعمال خارج، اثر التیام دهنده و علاج کننده زخمها دارد.

پزشکان آلمان، مصرف آنرا در رفع بیماریهای مختلف کلیه و مثانه، دفع کرم کدو، درد پهلوی، فلج زبان و بیماریهای عفونی مانند حصه و غیره مؤثر دانسته اند.

**صور داروئی -** دم کرده ۳ تا ۶ گرم ریشه در یک لیتر آب به مقدار ۳ فنجان در روز - جوشانده ۲ در هزار به مقدار ۳ فنجان در روز - گرد ریشه به مقدار ۸ تا ۱۸ گرم در ۲ یا ۳ مرتبه در روز مخلوط در یک تیزان یا در یک جوشانده - شراب حاصل از خیساندن ۴ تا ۶ گرم گرد یا نیمکوب ریشه در یک لیتر شراب سفید یا قرمز به مقدار یک لیوان کوچک محتوی ۷۵ سانتیمتر مکعب و ۴ مرتبه در روز (سابقاً از آن برای دفع کرم کدو استفاده می نموده اند) - جوشانده ریشه گیاه در سرکه برای تهیه لوسیون به منظور استفاده از آن در رفع بیماریهای جلدی نظیر سوداء، کچلی و بیماریهای پوستی مختلف - جوشانده ریشه در مخلوطی از شراب و آب (به حجم مساوی از هر یک) برای به دست آوردن محلولی جهت شستشو و التیام زخمها و اولسرها - جوشانده ۳ در هزار ریشه در آب، جهت شستشوی دهان در موارد سرطان زبان و به صورت لوسیون، جهت رفع بیماریهای جلدی، درماتیت (dermatite) و غیره.

از گیاهان دیگر تیره کاسنی، متعلق به گروههای مختلف، که ریشه آنها دارای اثر درمائی است، انواع زیر را که در کتب داروئی وارد گردیده، بیان می نمایم:

*Dicoma anomala* Sond. \* - گیاهی است علفی، پلی برف و مخصوص نواحی جنوبی

افریقا، که ریشه اش در نواحی مختلف برای رفع دیسانتری بکار می رود و در این مداوا نیز اثر قطعی از آن توسط پزشکان آلمانی در جنگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به دست آمد.

*D. tomentosa* Cass. \* - گیاهی یکساله، دارای ساقه راست، پرشاخه، به ارتفاع

۲۰ - ۵۰ سانتیمتر و پوشیده از تارهای پنبه ای است. برگهای باریک و عاری از دمبرگ با کناره عاری از دنده، پوشیده از تارهای پنبه ای و به درازای ۲۰ - ۷ سانتیمتر دارد. براکته های کاپیتول آن، خاردار، بی کرک و صاف است. در نواحی مختلف هند و بمبئی می روید. کلیه قسمتهای گیاه دارای طعم تلخ و اثر تب بر است. از آن مخصوصاً جهت رفع تب های بعد از زایمان استفاده به عمل می آید.

*Verbasina virginica* L. \* - در امریکا می روید و در اتازونی به عنوان معرق مصرف می گردد.

*Elephantopus scaber* L. \* - گیاهی علفی و مخصوص نواحی حاره است. کاپیتول های آن مرکب از گلهای لوله ای به رنگ ارغوانی است. اعضای هوائی آن پوشیده از کرک و برگهای قاعده آن خاردار است. برگهای آن در هند و برخی نواحی حاره به عنوان نرم کننده و تب بر مصرف می شود.

*Actinomeris helianthoides* Nutt. \* - در امریکای شمالی می روید. ریشه اش برای درمان مرض قند و بیماریهای کلیه بکار می رود.

ریشه متورم *Liatris odoratissima* L. \* و *L. spicata* Willd. \* که در امریکا، ناحیه پرو، ویرجینیاتا فلوریدا و لوژیانا می رویند، سابقاً در اتازونی به عنوان مدر به مصارف درمائی می رسیده اند. ریشه متورم دو گیاه اخیر بوی کومارین Coumarine می دهد و چون دارای این ماده است، به مقادیر زیاد به کشور آلمان صادر می شود. نوع اول این دو گیاه، در درمان بیماریهای کلیه مصرف دارد و در عطرسازی و معطر ساختن توتون و آدامس مورد استفاده قرار می گیرد. برای *L. champanii* Willd. \* که دارای ماده ای به نام لیاترین liatrine می باشد اثر ضد سرطان ذکر شده است.

*L. squarrosa* Willd. \* - دارای کوماین و ریشه ای با اثر مدر و تصفیه کننده خون است و از آن برای خنثی کردن سم مار نیز استفاده می شود.

*Atractylis gummifera* L. \* ، *Carlina gummifera* Less. - گیاهی است که در نواحی شمالی افریقا می روید و اعراب از آن، نوعی ماده چسبناکی تهیه می کنند که به صورت جویدن (مانند آدامس) مورد استفاده قرار می گیرد. از آن، نوعی ماده به نام امید آتراکتیلیک *acide atractylique* استخراج شده است. مسمومیت از این ماده که بدان اشاره می گردد، مشکوک بنظر می رسد.

ساقه آغوش و به شکل قلب است. رنگ آنها عموماً سبز روشن است و در موقع لمس کردن نیز، سطح فوقانی پهنک آنها، خشن حس می‌گردد. کاپیتولهای آن که در فاصله ماههای تیر و مرداد ظاهر می‌شود، از گل‌های زبانه‌ای زرد رنگ در کنار و گل‌های لوله‌ای زرد رنگ، واقع در وسط نهج



ش ۱۳ - *Inula helenium* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

تشکیل می‌یابد. گل‌های اخیر، عموماً نر- ماده و شامل ۵ لوب، ۵ پرچم و یک مادگی است. میوه آن به رنگ مایل به قهوه‌ای، دارای ۵ سطح نسبتاً مشخص و منتهی به تارهای ناساوی بدرنگ خرمائی است.

ریشه این گیاه به مصارف تخمیر شیر می‌رسد و ضمناً اثر معطرکننده دارد. پنیری که با استفاده از آن تهیه می‌شود مورد توجه زیاد اعراب است ضمناً از آن، جهت رفع بوی بد اماکن استفاده به عمل می‌آورند.

از هیدرولیز اسید آتراکتیلیک که گلوکزیدی سمی است، ماده‌ای به نام آتراکتیلی ژنین  $C_{19}H_{28}O_6$  به فرسول و به وزن ملکولی ۳۲۰ ر ۳۰۰ حاصل می‌شود (۱). ماده اخیر در اتانول، به حالت متبلور و به صورت بلوریه‌های سوزنی شکل به دست می‌آید. در گرمای ۱۸۹ درجه ذوب می‌شود.

ملح پتاسیم اسید آتراکتیلیک نیز به حالت متبلور به دست آمده است. سمیت زیاد و اثری مشابه استیریکنین ظاهر می‌کند و تشنج‌آور است.

اعراب آنرا اشخیم Ashkhiss، شوک العلك Shauk el elk و اسد الارض Asadul'ard می‌نامند.

گونه موجود در ایران که از منطقه خوزستان جمع‌آوری گردیده، *A. cancellata* L. است و ریشه‌اش بعلت داشتن شهرت سمی بودن، مورد تجزیه و بررسی‌های علمی قرار دارد. این گیاه در کرمانشاه: قصر شیرین، ۲ کیلومتری هفت تپه به سمت اهواز، اطراف سد کرخه، بین هفت گل و مسجد سلیمان، ۱۰ کیلومتری شمال اندیمشک، نزدیک بوشهر، اطراف شیراز، کرمان، بلوچستان خاش و در ۵ کیلومتری مغرب سراوان می‌روید.

### *Inula helenium* L.

*Aster helenium* Scop. ، *Helenium grandiflorum* Gilib.

فرانسه : *Oeil de cheval* ، *Enule campagne* *Grande Aunée* ؛

انگلیسی: *Echter - Alant* ، *Helenaikraut* ؛ آلمانی: *Elecampane* ، *Inul* ؛

ایتالیائی: *Erba de dolori*، *Occhio di cavallo*، *E. campana* ، *Enula elenio* ؛

فارسی : زنجبیل شامی - عربی : زنجبیل شامی ، جناح روسی ، راسن

گیاهی است علفی، پایا، زیبا و به ارتفاع ۱۷۵ تا ۲ متر که غالباً در چمنزارها و نواحی مرطوب، به حالت خودرو می‌روید. ریشه آن دراز، ضخیم، گوشتدار و ساقه‌اش راست و منشعب به شاخه‌های متعدد می‌باشد. برگ‌های قسمت تحتانی گیاه، بزرگ و دارای دمبرگ دراز، بیضوی، نوک تیز، پوشیده از کرک‌های پنبه‌ای (در سطح تحتانی پهنک) ولی برگ‌های دیگر آن، بدون دمبرگ،

تکثیر آن به وسیله دانه و در اراضی نمناک و اصلاح شده انجام می‌گیرد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، منحصرأ ریشه آن است که پس از خارج کردن گیاه ۲ تا ۳ ساله از زمین، آنرا همراه با ریزوم کوتاه و گوشتداریش، به قطعاتی تقسیم نموده در گرمای خورشید خشک می‌کنند. قطعات تازه ریشه آن، رنگ قهوه‌ای روشن ولی خشک شده آن، رنگ زرد مایل به قهوه‌ای یا خاکستری مایل به زرد دارد. ریشه گیاه اگر به حالت تازه قطع گردد، داخل آن به رنگ سفید جلوه می‌کند.

بوی قطعات ریشه این گیاه در حالت خشک، شبیه بوی بنفشه یا بوی ریشه زنبق و طعمش معطر، تلخ و نسبتاً تند است. از مشخصات ریشه خشک شده گیاه آن است که با قرار گرفتن در هوای مرطوب، نرم می‌گردد.

**ترکیبات شیمیائی** - ریشه این گیاه دارای ۴ درصد اینولین است که مقدار آن در پائیز به حد اکثر می‌رسد. اینولین چون نخستین بار در این گیاه کشف گردید، از این جهت به نام *Inula* نامگذاری شده است.

از تقطیر ریشه این گیاه مقدار کمی اسانس، مخلوط با توده چسبنده‌ای مرکب از آلانتولاکتون *alantolactone*، ایزوالانتولاکتون و آلانتول *alantol* حاصل می‌شود. ماده‌ای به نام هلنین<sup>(۱)</sup> یا *helenine* یا *Camphre d' Aunée* (به مقدار ۱ تا ۲ درصد) که به غلط هتروزیدی تصور می‌رفت، در واقع از ایزوالانتولاکتون مرکب می‌باشد (*Planchon*).

آلانتولاکتون *Alantolactone* (هلنین *helenin*، *alant comphor*، *elecampane camohor*، *Eupatal*، *inula camphor*)، نوعی ترین به فرمول  $C_{15}H_{22}O_7$  و به وزن ملکولی ۳۱۳۳۳ است. از ریشه *Inula Helenium L.* استخراج شده<sup>(۲)</sup> و فرمول منبسط آن توسط *Marshall* و *Kohen* تعیین گردیده است<sup>(۳)</sup>.

آلانتولاکتون، به حالت متبلور در الکل به دست می‌آید. در گرمای ۷۸-۷۹ درجه ذوب می‌شود. در آب غیر محلول ولی در الکل، کلروفرم، بنزن، اتر و اسانس‌ها محلول است. آلانتولاکتون از نظر درمانی، اثر ضد کرم دارد و برای دفع آسکاریس‌ها،

۱- هلنین، در *Martindale (Extra Pharmacopoeia - 1982)* و در سرک ایندکس

(۱۹۷۶)، نام مترادف ماده اصلی گیاه مذکور که آلانتولاکتون، باشد، ذکر شده است.

2 - *Kallen Ber. 6 1506 (1873).*

3 - *Marshall, Kohen, J. Org. Chem. 29, 3727 (1933).*

*Enterobius vermicularis* (Threadworm)، نوعی نماتود که و در روده انسان و جانوران زندگی می‌کند (*Hookworm*) و کرم دیگری به نام *Trichuris trichuira* (Whip worm) می‌تواند به کار رود.

مقدار مصرف آن برای دفع کرم، روزانه ۳۰۰ میلی‌گرم به مدت ۵ روز و تکرار دوره آن به فاصله ۱۰ روز در اشخاص بالغ ولی در اطفال به مقدار ۵۰ تا ۲۰۰ میلی‌گرم بر حسب سن است (*Martindale 1982*).

باید توجه داشت که در بعضی کتب علمی<sup>(۱)</sup> تحت نام *Helenine*، یک ماده دیگر با اثر ضد ویروسی معرفی گردیده که از کشت نوعی پنی‌سیلیوم به نام *Penicillium funiculosum* (Thom.) توسط *Shope* (۲) استخراج و توسط *Lewis* و همکارانش<sup>(۳)</sup> به صورت تصفیه شده در آمده است. این ماده احتمالاً، نوعی ریبونوکلوپروتئین *ribonucleoprotéine* می‌باشد.

آنچه که در بازار تجارت تحت نام هلنین عرضه می‌شود، در واقع ایزوالانتولاکتون نیست بلکه آلانتولاکتون می‌باشد.

**خواص درمانی** - ریشه این گیاه دارای اثر مقوی، نیرو دهنده نسج مخاطها، مدر، معرق، اشتها آور، ضد باکتری و ضد عفونی کننده است. اثر ضد عفونی کننده آن نیز مربوط به آلانتول و یا هلنین می‌باشد.

اثر درمانی ریشه این گیاه در بیماری دستگاههای مختلف بدن به شرح زیر است:

بیماریهای دستگاه تنفسی: مصرف فرآورده‌های ریشه این گیاه موجب تسکین تحریکات

ناحیه حنجره، آرام شدن سرفه و رفع تشنج برونش‌ها می‌شود. ضمناً چون بطور موضعی، اثرات تیمام-دهنده و تریسم کننده بر روی مخاطها دارد و بعلاوه باعث تسهیل خروج اخلاط می‌گردد، در رفع درد گلو، برونشیت‌ها، گریپ، آسم مرطوب، نزله ششی، سیاه سرفه و ناراحتی‌های سل ریوی، اثر مفید ظاهر می‌نماید.

استنشاق یک قاشق قهوه خوری از تنطوری آن در آب جوش (بصورت بخور)، التهاب نای (*trachéite*) را درمان می‌کند.

بررسی‌های *De Korab* طبق اظهار *Dr. H. Leclerc*، نشان داد که فرآورده‌های این گیاه از تکثیر و رشد باسیل کخ جلوگیری بعمل می‌آورد ضمناً به علت خشکاندن ترشحات ریه،

1 - *The Merck Index, No. 4484, (1976)*

2 - *Shope, J. Exp. Med. 97, 601, 627, 639 (1953).*

3 - *Lewis et al., J. Am. Chem. Soc. 81, 4115 (1959); 82, 5178 (1960).*

موجبات رفع سرفه را فراهم می‌آورد. سایر دانشمندان نظیر Bokenham و Yersin نیز به اثر باکتری‌کشی آن پی بردند.

باآنکه عده‌ای برای انیدریدآلاتونیک، اثر ضد باکتری قائل نیستند و یا اثر آنرا ضعیف می‌پندارند، معیذاً دراینکه هله‌نین، سرفه مسلولین را قطع می‌نماید نباید در آن تردید داشت (L. Renon در سال ۱۹۱۲) و درباره آن حتی چنین معتقدند که این ماده قوای کلی بیماران مسلول را نیز تقویت می‌کند.

بیماریهای دستگاه هضم: فرآورده‌های ریشه این گیاه، اثر مقوی بر روی معده، روده‌ها و کبد دارد ازاین نظر حتی در سواردی که از داروهای مقوی دیگر نتیجه گرفته نشود، می‌توان از آن نتیجه سفید به دست آورد. در سواردی که بدن در بیماران مبتلا به سل و کم‌خونی، مصرف فرآورده‌های ریشه این گیاه باعث می‌گردد که اشتهای بیمار تقویت شود و بعلاوه گرفتگی و تیر کشیدن معده از بین برود، حالت تهوع و استفراغ تسکین یابد و بطور کلی اعمال شیمیائی و فیزیولوژیکی معده تقویت یابد و اگر به آن، فرآورده‌های ریشه *Acorus calamus L.* (گیاهی از تیره *Araceae*) و ژانسیان افزوده گردد، نتایج قاطع تر به دست آید.

بیماریهای دستگاه تناسلی و دفع ادرار: از قدیم الایام مردم عقیده داشته‌اند که ریشه این گیاه اثر درمانی سفید بر روی رحم و مجاری دفع ادرار دارد. دانشمندی نظیر Vilet (در سال ۱۷۷۰) و Delens (در سال ۱۸۳۶) و در سالهای اخیر، *Hammoniac* و *Parisot*، اثر درمانی آنرا در رفع ترشحات زنانگی (*leucorrhée*) مخصوصاً ناشی از لنفاتیسیم و ورم رحم، به اثبات رسانیدند.

مصرف فرآورده‌های ریشه این گیاه در سواردی که حالت قاعدگی زنان جوان توصیه گردیده در تنظیم این حالت در دخترهای جوان، مؤثر ذکر شده است. در قاعدگی‌های دردناک و غیر کافی بودن آن، اثر سفید دارد.

ریشه این گیاه به علت مدر بودن، در بیماریهای کلیه و آب آوردن انساج وزردی می‌تواند اثر شفا بخش ظاهر کند بعلاوه دارای اثر دفع اوره و کلورورها (*J. Chevalier* و *E. Chabrol*) است.

سواردی دیگر: ریشه این گیاه در رفع بیماریهای پوستی مانند سوزا، التهاب ورم پوست، بروز دانه‌های جلدی و همچنین در معالجه خنازیر، مؤثر تشخیص داده شده است. بعلاوه به علت آنکه در عین حال اثر مدر، مقوی و ضد باکتری دارد، در رفع تقریباً هر نوع عفونتی می‌تواند سفید باشد ضمناً بررسی‌های جدید سالهای اخیر نشان داده است که اثر زیاد کننده ترشحات صفرا دارد. (*J. Chevalier, E. Chabrol*).

ریشه این گیاه، خاصیت ضد گرم نیز به مقدار ۱ تا ۵ گرم در اطفال دارد.

در استعمال خارج، جوشانده ۱۰ تا ۵۰ در هزار ریشه، در رفع بیماریهای پوستی اثر می‌نماید بطوری که کمپرس گرم آن سبب تسکین خارش در سوزا می‌شود. لوسیون‌های آن اگر بر روی جراحات و زخمهای کهنه اثر داده شود، موجب التیام و بهبود آنها می‌گردد بعلاوه آگزیما، جرب، سوزا و اسکار (*escarres*) را درمان می‌کند.

در دامپزشکی: گرد ریشه این گیاه اگر به غذای حیوانات افزوده شود، اثر مدر، مقوی و خلط آور در آنها ظاهر می‌کند و اگر گرد آن با عسل مخلوط گردد بهتر جذب می‌شود. مقدار مصرف آن در اسب و گاو، ۵۰ تا ۱۰۰ گرم در روز ولی برای گوسفند، ۸ تا ۱۶ گرم می‌باشد. برای رفع جرب می‌توان لوسیون‌ها و یا پماد گرد ریشه را بکار برد.

صورت دارویی: دم کرده ۱۰ تا ۴ در هزار ریشه به مقدار ۳ فنجان در روز قبل از هر غذا. جوشانده ۱۰ تا ۳۰ در هزار (به علت تلخ بودن کمتر بکار می‌رود) - شراب ۵۰ تا ۸۰ در هزار (خیساندن ریشه به مدت ۸ تا ۱۰ روز در شراب و شیرین کردن آن با قند) به مقدار ۳ فنجان کوچک محتوی ۷۵ سانتیمتر مکعب در روز - تنطور به مقدار ۱۰ تا ۲۰ قطره بخور جوشانده‌های خیلی گرم (جوشانده ۵۰ در هزار برای ضد عفونی کردن مجاری تنفسی - این بخور را می‌توان با افزودن یک قاشق قهوه خوری تنطور ریشه در آب جوش نیز به دست آورد) - شراب مقوی معده حاصل از خیساندن ۳۰ گرم ریشه به مدت ۳ تا ۴ روز در یک لیتر شراب قرمز به مقدار کم یعنی هر دفعه یک قاشق برای اشخاص مسن و مبتلایان به آسم ولی به مقدار کمتر برای اطفال - مخلوط ۱۰ گرم ریشه گیاه با آویشن و سرپوله (*Thymus serpyllum*) به مقدار یک قاشق قهوه خوری در یک فنجان آب برای رفع سرفه.

در استعمال خارج، جوشانده‌های آن یعنی ۱۰۰ گرم ریشه در یک لیتر آب به صورت لوسیون یا کمپرس گرم، مصرف دارد. جوشانده ریشه این گیاه و با با آدام اگر در سطح بدن اثر داده شود، سریعاً خارشهای منشاء سوزا را از بین می‌برد. از گرد ریشه این گیاه به نسبت ۲ گرم با ۱۰ گرم پیه‌خوک، نوعی پماد تهیه می‌شود.

محل رویش: آذربایجان: افشار، اطراف ارومیه، کوه‌های سبلان، داسنه‌های شمالی مشکین شهر در ۱۶۰۰ متری، خانقاه در نزدیکی سیانه. کردستان: بانه، چهل چشمه در ۴۴ کیلومتری سریوان در ۲۰۰۰ متری، گردنه‌خان حسن سالاران در ۱۹۰۰ متری، ۳۹ کیلومتری جنوب غربی سقز در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری. همدان: حیدره، سیلاخور. اراک: گردو. لرستان: شتران کوه، درود.

دارد و کاپیتول‌های آن که به تعداد فراوان ظاهری گردند، بسهولت از گونه‌های سجاور تشخیص داده می‌شود.

زمان گل دادن آن خرداد تا مرداد است.

پراکندگی آن بنحوی است که در زمین‌های غیرسیلیسی نواحی مختلف اروپا، آسیا و ایران یافت می‌شود.

**خواص درمانی** - شهرت درمانی این گیاه سابقاً به خلاف اسروزه خیلی زیاد بوده است بطوری که به عنوان بقوی معده، مدر، معرق و قاعده‌آور، مصرف داشته است.

در استعمال خارج، اثر التیام دهنده زخم و جراحات دارد و در رفع بیماری‌های جلدی مانند چرب مؤثر است ولی اسروزه مصرف آن بین مردم تقریباً متروک شده است.

**محل رویش** - این گیاه در بعضی از نواحی شمالی ایران مانند قره‌داغ و جنگلهای حسن-بگلو، گرگان، گلستان می‌روید (فلور ایران).

از *Inula britannica* L. که در نواحی مرطوب شورین (همدان)، صحنه، دستگرد، بروجرد، نواحی بایر اراک، رزوند، سیلاخور، الوند و اصفهان می‌روید، سابقاً برای رفع دیسانتری و مارگزیدگی استفاده بعمل می‌آمده است.

*Inula viscosa* (L.) Aiton. \* گیاهی علفی، پایا، دارای بوی قوی و ساقه‌های متعددی با قاعده چوبی و ظاهر بوته‌سانند است. ارتفاع آن در شرایط مساعد محیط زندگی به یک متر نیز می‌رسد. کاپیتول‌هایی زرد رنگ و مجتمع به صورت گل‌آذین خوشه‌دراز با ظاهر متمایز دارد. در اعضاء آن نوعی اسانس به مقدار ۰.۶۲ ر. درصد و اسیدهای چرب یافت می‌گردد. در منطقه مدیترانه می‌روید.

در الجزیره از آن برای درمان مالاریا و بیماری‌های سجاری دفع‌ادرار و مثانه استفاده بعمل می‌آورند.

از برگ و کاپیتول‌های خشک شده گیاه مذکور در بعضی نواحی، به صورت مخلوط با سواد حشره کش مختلف، محلول‌های ضد عفونی کننده جهت دفع حشرات و سالم‌سازی محیط زندگی داسها و غیره استفاده بعمل می‌آورند.

اعراب، گیاه مذکور را به حالت سبز در آغاز تابستان می‌چینند و استابیلیزه می‌کنند سپس آنرا خشک کرده به صورت گرد در می‌آورند و از آن در آغاز بهار برای دفع حشرات استفاده بعمل می‌آورند. گرد گیاه مذکور با pH مناسبی که دارد به خوبی می‌تواند با گرد پیرتر (Pyrèthre) و گیاهانی که در اعضاء آنها **روتنون** (Roténone) وجود دارد مخلوط شده، در تهیه حشره کش‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

### *Inula vulgaris* (Lam.) Trevisan.

I. Conyza DC. ، Conyza vulgaris Lam.

فرانسه : Chasse - puces ، Herbe aux mouche ، Aunée conyze

انگلیسی : Great flybane ، Fleawort ، Flybane

آلمانی : Ruhrwurzkraut ، Dürrwurzelkraut ، Dürrwurz

عربی : برنوف

گیاهی است پایا و به ارتفاع ۰.۵ تا یک متر که معمولاً به حالت خودرود در اراضی خشک و دامنه‌های کم ارتفاع ۱۲۰۰ متری و گاهی نیز بیشتر می‌روید. ساقه راست و برگهای نوک تیز



ش ۱۴ - *Inula vulgaris* : سرشاخه گلدار - برگ (به اندازه‌های طبیعی)

و پوشیده از کرک‌های پنبه‌ای در سطح تحتانی پهنک دارد. کاپیتول‌های کوچک و متعدد آن به خلاف نوع قبلی، فاقد گل‌های زبانه‌ای و یا دارای آن ولی به تعداد کم است. گل‌های لوله‌ای آن، رنگ زرد روشن یا سفید مایل به زرد دارند. این گیاه از روی مشخصات ساقه‌اش که وضع منشعب

محلول حشره کش: برگ گیاه مذکور را در هموژنش الکل صنعتی وارد نموده به مدت یک هفته سی خیسانند سپس با فشار صاف سی کنند. محلول حاصل را بعداً هنگام استفاده، به نسبت های لازم با آب رقیق کرده با گردپاش، محیط های آلوده را ضد عفونی می کنند.

اعراب برگ های تازه گیاه مذکور و برگ های تازه گیاهانی مانند خرزهره و گوجه فرنگی را با فلس های تازه پیاز میل (*Urginea scilla Steint.*) به نسبت مساوی از هریک، در برابر حجم مجموع آنها، آب جوش وارد کرده به مدت نیم ساعت سی جوشانند و بعداً به مقدار کافی، شیره موسیلاژدار انواع *Opuntia vulgaris Mill.* و *Cactus* را به آن سی افزایند و از آن برای دفع حشرات زیان بخش و آفات سزارع به صورت گردپاش استفاده به عمل سی آورند (Danzel, L).

### *Inula salicina* L.

*I. squarrosa* Griseb.

فرانسه : Inule à feuilles de saule انگلیسی : Willow leaved inula

آلمانی : Weidenblättriger alant ایتالیائی : Spragginella

گیاهی چندساله و دارای ساقه ای به ارتفاع ۳۰ - ۶۰ سانتیمتر است. برگ های باریک و دراز، به حالت عمود به ساقه یا کم و بیش آویخته و عاری از دمبرگ دارد. در قسمت های انتهائی ساقه، برگها ظاهری قلبی شکل و ساقه آغوش پیدا سی کند.

کاپیتولهای آن درشت، زرد رنگ، واقع بر روی دمگل دراز و میوه اش فندقه و عاری از تار است.

**خواص درمانی**- ریشه اش سابقاً در موارد ضعف عمل روده، انسداد روده و مواردی که ترشحات معده با مواد مخاطی یا غیر آن، بخارج برگردانده سی شود، مصرف سی گردیده است. کاپیتولهای گیاه به جای آرنیکا (*Arnica*) در بازارهای تجارت عرضه سی شود و تصور سی کنند که از نظر اختصاصات درمانی مشابه آن باشد.

**محل رویش**- نواحی شمالی و مرکزی ایران، اطراف تهران، ارومیه جنگلهای غیر انبوه حسن بگلو.

در بعضی کتب علمی بجای این گیاه یک گونه فرعی از آن بنام *subsp. aspera* (Poir.) Hayek در منطقه وسیعی از ایران ذکر شده است (85 - 145 *Fl. Iranica*).  
و یا دارای تارهای کم بوجود سی آورند.

*Inula graveolens* (L.) Greuter ، *I. graveolens* (L.) Desf. - گیاهی

یکساله، پرشاخه به ارتفاع ۳۰ - ۷۰ سانتیمتر و پوشیده از تارهای چسبناک است. برگ های کوچک، عاری از دمبرگ، باریک و نوک تیز، به طول ۲۵-۴ سانتیمتر و به عرض ۲۵-۴ میلیمتر دارد. کناره برگ های آن صاف و عاری از دندانه و کاپیتولهای آن کوچک، به قطر ۸ میلیمتر، به رنگ زرد و دارای ظاهری شبیه مخروط وارونه است. گلهای کناری کاپیتولها، بسیار کوتاه و میوه اش به صورت فندقه های کوچک و پوشیده از تار سی باشد. در بعضی نواحی اروپا، اسپانیا و شمال غربی هند سی روید.

**خواص درمانی**- اثر مدر دارد و از آن، جهت رفع بیماریهای سجاری ادرار مانند دفع سنگ کلیه و مثانه استفاده به عمل سی آید (Honigberger).

**محل رویش**: این گیاه در گرگان: تنگ گل در ۶۰۰ متری، خوزستان: اهواز. فارس: داراب سی روید.

*H. tenuifolium* Nutt. ، *Helenium amarum* Rock. \* - گیاهی علفی، یکساله،

دارای ساقه راست، ساده یا منشعب در قسمت انتهائی و به ارتفاع ۱-۳ متر است. برنهای واقع بر روی ساقه آن، حالت متناوب و ظاهر نخعی شکل دارند و به طول ۲۵ تا ۷۵ سانتیمتر سی رسند. کاپیتولهای منفرد یا مجتمع آن دارای دونوع گل: زیانه ای و لوله ای، به رنگ زرد سی باشند. این گیاه در اراضی متروک و آفتاب گیر یا در چمنزارها سی روید. پراکندگی آن بیشتر در نواحی مختلف آمریکا مانند جنوب کالیفرنیا، کارولینای شمالی، ویرجینیا و امتداد نواحی جنوبی تا فلوریدا است. دارای ماده مؤثری به نام تمولین *temuline* است که اثر تب بر گیاه را مربوط به آن میدانند.

### \* *Emilia sonchifolia* DC.

*E. purpurea* Cass. ، *E. mucronata* Wall.

گیاهی علفی و دارای ساقه منشعب از قاعده، به ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر و برگ های به اشکال مختلف است. برگ های واقع در قاعده ساقه آن، عموماً پهنکی با بریدگیهای نامنظم و منتهی به دمبرگ دراز دارند ولی هرچه به بالاتر نزدیک سی شوند، وضع ساقه آغوش و ظاهر مشخص پیدا سی کنند ضمناً قاعده پهنک دارای دو زائده قلبی شکل سی گردد. گلهای آن که در رأس انشعابات فرعی ساقه جای دارند، مجموعاً ظاهری دهیم مانند پیدا سی کنند. رنگ گلهای آن زرد است و هریک نیز بر روی دمگلی باریک و دراز قرار دارد. براکته های واقع در زیر کاپیتولها، عموماً طولی برابر گلهای و ظاهر باریک و دراز دارند و مجموعاً، انولوکری استوانه ای شکل، بی کرک و یا دارای تارهای کم بوجود سی آورند.

میوه‌اش پس از رسیدن، دارای تارهای ظریف و فراوان می‌گردد. در ایران نمی‌روید ولی در نواحی مختلف جنوب آسیا مانند هند، سیلان و بطور کلی غالب نواحی حاره قاره آسیا پراکنده است.

**خواص درمانی**- شیر خالص برگ گیاه را به صورت قطره و جهت رفع شب کوری در بعضی نواحی در چشم می‌چکانند علاوه برای آن اثر رفع التهاب چشم قائل اند. جوشانده کامل گیاه به عنوان تب بر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در هندوچین از برگ گیاه جوشانده‌ای تهیه می‌شود که به عنوان تب بر بکار می‌رود. از کلیه قسمت‌های گیاه نیز در بعضی نواحی (رئونیون) برای درمان آسم و در استعمال خارج جهت التیام زخم و جراحات استفاده می‌شود.  
در ایران نمی‌روید.

در گویان، گونه دیگری را به نام *E. rigidula* که شباهت زیاد به کاهو دارد، پرورش می‌دهند. از این گیاه، در نواحی مورد کشت، استفاده‌های درمانی مختلف مانند درمان بیماری ویا و همچنین به عنوان مقوی توسط بومیان بعمل می‌آید.

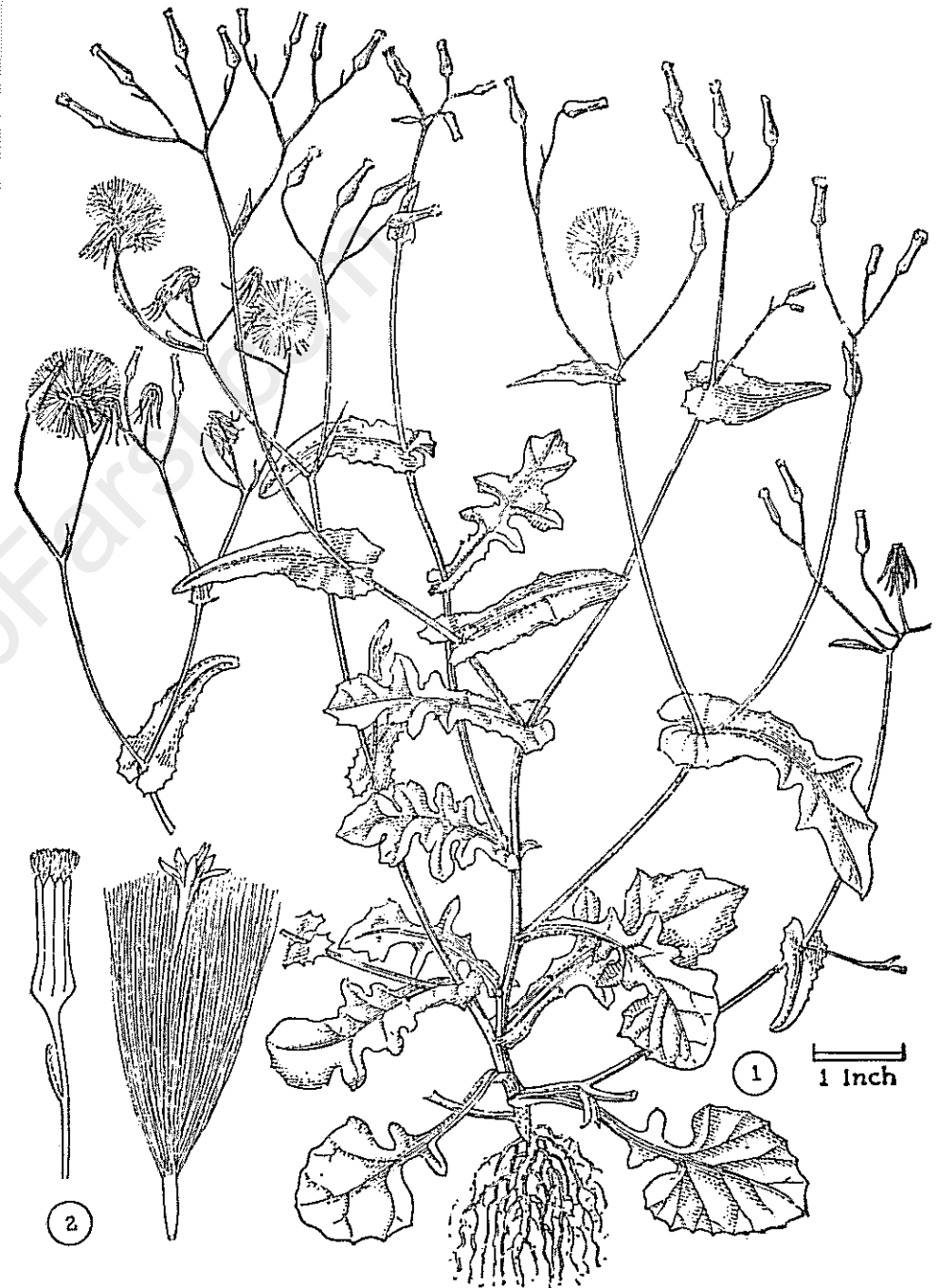
### *Grangea maderaspatana* Poir.

*G. aegyptica* DC. ، *Artemisia maderaspatana* L.

گیاهی علفی، یکساله و دارای شاخه‌هایی با حالت خوابیده در سطح زمین، به ارتفاع ۱-۳۰ سانتیمتر است. تارهای نرم و سفیدرنگی نیز اعضای هوایی آنرا می‌پوشاند. برگ‌های عاری از دم‌برگ، به طول ۵-۶ سانتیمتر، بیضوی دراز، با پهنکی منقسم به ۲-۴ لوب عمیق متقابل یا تقریباً متقابل دارد و هر قدر به محل اتصال برگ به ساقه نزدیک می‌شود، عمق لوبها کمتر می‌گردد. کاپیتول‌های آن به رنگ زرد و دارای حالت منفرد یا مجتمع به تعداد ۲ تا می‌باشد. انولوکری مرکب از براکنه‌های بیضوی خشن و پوشیده از تارهای فراوان نیز آنرا از پائین فرامی‌گیرد.

پراکنندگی آن بصورتی است که در نواحی حاره و نیمه حاره آسیا مانند جنوب ایران، هند، سیلان و همچنین در آفریقا می‌روید.

**خواص درمانی**- قسمت‌های مختلف گیاه، طعم تلخ و ناپسند دارد. ریشه آن اشتها آور، مدر، ضد کرم، قاعده آور، زیاد کننده ترشحات شیر و نیرو دهنده است. در رفع درد مفصل زانو و دردهای ماهیچه‌ای مفید واقع می‌گردد. برای برگ‌های آن اثر مقوی معده با اثر قاطع و همچنین اثر ضد تشنج قائل اند. از آن به صورت دم کرده یا الکتور به منظور باز کردن قاعدگی استفاده درمانی بعمل



ش ۱۰-۱ - *Emilia sonchifolia* : ۱- گیاه گل ۲- کاپیتول و نمایش یک گل (Ayurveda dr.)





ش ۱۶ - *Eclipta erecta* L. : ۱- شاخه گلدار ۲- برش قائم کاپیتول  
۳- نمایش پراکنده ها از بالا (Ayurveda dr.)

می آورند. از برگهای گیاه همچنین، محلولهای ضد عفونی کننده بخور، تهیه می شود. در هندوچین علاوه بر آنکه از این گیاه به عنوان یک داروی ارزنده مقوی سینه استفاده می شود، محلولهای بخور جهت ضد عفونی کردن مجاری تنفسی نیز از آن تهیه می گردد. جوشانده برگهای آن جهت رفع سرفه و باز کردن قاعدگی مصرف دارد.

محل رویش - بلوچستان؟

### *Eclipta erecta* L.

*E. alba* Hassk. ، *E. longifolia* Schrad.

فرانسه : Eclipte droite انگلیسی : False daisy آلمانی : Aufrechte mehlblume  
ایتالیایی : Eclipta هندی : Babri ، Rhanga ، Mochkand عربی : سويد (Sûweyd)

گیاهی یکساله و دارای شاخه های متقابل، به حالت راست و یا خوابیده در سطح زمین است. برگهای پوشیده از تارهای غده ای خشن، کامل، نوک تیز با کناره های موجدار دارد. برگهای آن که در طول شاخه ها و در کناره برگها با حالت منفرد یا ۲ تایی، در راس دمگل های بلند ظاهر می شود، دارای هردونوع گل زبانه ای و لوله ای است. گلهای زبانه ای آن رنگ سفید دارد. میوه اش فندقه و پوشیده از برجستگیهای زیاد ولی فاقد دسته تار، در قسمت انتهائی است. در منطقه وسیعی از نواحی حاره آسیا مانند نواحی جنوبی ایران، هند، سیلان، مالا یا، بنگال و غیره می روید.

برگ ویا کلیه قسمتهای گیاه به مصارف درمانی می رسد.

**خواص درمانی** - کلیه قسمتهای گیاه طعم تلخ و اثر مقوی ضد کرم دارد. در رفع التهاب ها ناراحتی های پوستی، و خارش مفید واقع می گردد. بررسی های مختلف نشان داده است که اثر خلط آور، مقوی معده، رفع التهاب مخاط دهان و رفع سرگیجه نیز دارا می باشد (yunani). میوه تازه گیاه مخلوط با روغن کنجد برای معالجه داء الفیل ( بزرگ شدن خارج از حد اعضاء سافله بدن) بکار می رود.

کلیه قسمتهای گیاه در استعمال خارج و حتی مصرف آن از داخل، موجب تیره رنگ شدن سوی سر می گردد.

محل رویش بلوچستان.

**Siegesbeckia orientalis L.**

S. microcephala DC. ، S. brachiata Roxb.

فرانسه: Herbe divine ، Herbe grass ، Herbe de Flacq ، Sigèsbèque

آلمانی: Erba divina ، Sigèsbeckia ؛ ایتالیائی: Bitterstreppe ، Sigèsbecke

گیاهی علفی، یکساله و دارای ساقه راست، به ارتفاع ۰.۵ م. تا ۱.۲ متر است. شاخه های آن در قسمت پائین ساقه، حالت افقی ولی در قسمتهای بالاتر، انشعابات دوتائی پیداسی کند. ضمنا ساقه و شاخه های گیاه، به طور محسوس، رنگ سایل به ارغوانی دارند. برگهای آن متقابل، بیضوی، مثلث شکل، نوک تیز و بطور نامنظم دندانه دار، به طول ۵-۱۲ و به عرض ۳-۷ سانتیمتر است. کاپیتولهای کوچک گیاه از گلهائی به رنگ زرد در وسط تشکیل می یابد. گلهای کناری آن، از خارج، قرمز رنگ است. هر کاپیتول را نیز دو ردیف براکته از خارج می پوشاند. سیوه ای فندقه، فاقد تار (پاپوس) و به رنگ تیره دارد. در غالب نواحی حاره و نیمه حاره هردو نیمکره، در آسیا: ایران، هندو سیلان می روید.

قسمت مورد استفاده گیاه کلیه اعضای آن است.

**ترکیبات شیمیائی** - دارای یک ماده تلخ گلوکزیدی به نام **داروتین** (darutine)<sup>(۱)</sup>

است که به حالت متبلور به دست آمده است.

**خواص درمانی** - کلیه قسمتهای گیاه دارای اثر تصفیه کننده خون و مدر است و از آن،

جهت درمان اولسرها و غانقرائی استفاده بعمل می آورند. مصرف آن به منظور درمان بیماریهای سجاری ادرار توصیه شده است.

در استعمال خارج، مصرف تنطور حاصل از گیاه که به حجم مساوی با گلیسرین مخلوط گردیده باشد برای رفع ناراحتیهای جلدی منشاء قارچ که با ایجاد لکه های حلقوی تاول مانند و یا پوسته پوسته شدن همراه می باشد (Ringworm)، توصیه شده است. ضمنا این تنطور در رفع سایر ناراحتی های پوستی منشاء طفیلی ها و ناراحتی های جلدی مؤثر واقع می گردد. اثر ضد عفونی کننده گیاه تازه در پوست بنحوی است که اگر بر روی زخمهای آلوده قرار داده شود، باعث ضد عفونی کردن و درمان آنها می گردد.

کلیه قسمتهای گیاه در هندوچین به عنوان مقوی قلب مصرف می شود. بتفاوت از آن به عنوان نیرو دهنده، معرق، ضد اسکوریوت و زیاد کننده ترشحات بزاق استفاده بعمل می آید.

**محل رویش** - این گیاه در بعضی از نواحی شمال ایران، گرگان، بندرگز، مازندران، اطراف

تهران و غیره می روید.

۱- وجود این گلوکزید و مشخصات آن در غالب کتب داروئی مختلف ذکر نشده است.

**Tagetes erecta L.**

فرانسه: Grosse Afrikanisch Samtblume ، Tagete ، Grand oeillet d'Inde ؛ آلمانی:

انگلیسی: African marigold ، Indian marigold ؛ ایتالیائی: Garofano indiano

فارسی: **گل جعفری** - عربی جاتف (Gâtif) ، قطیفه (Qatifah) ، نوفر (Nûfar)

گیاهی زینتی، زیبا، یکساله، به ارتفاع ۰.۲-۰.۳ سانتیمتر و دارای ساقه راست و منشعب است. برگهائی بابوی قوی و پهنک منقسم به بریدگیهای باریک و نوک تیز، به وضع متقابل با ظاهری شانه ای دارد.

کاپیتولهای آن دارای گلهای زرد نارنجی زیبا و واقع بر روی دمگلی دراز و نسبتاً ضخیم است. در نواحی مختلف پرورش می یابد.

**خواص درمانی** - گلهای آن اثر قابض، بادشکن و مقوی معده دارد. برگهای آن در-

درمان بواسیر و همچنین دردهای ماهیچه ای می تواند مؤثر واقع گردد بعلاوه دانه های جلدی را درمان می کند.

در ایران پرورش می یابد.

**Pulicaria dyscentrica (L.) Gaertn.**

Inula dyscentrica L. ، Aster dyscentricus Scop.

فرانسه: Pulicaire dyscentrique ، Conyze commune ؛ آلمانی: Ruhrwurz

انگلیسی: Common flea bane ، Niddle size ؛ ایتالیائی: Sillio policaria

عربی: رعرع ایوب (Ra'râ'ayûb)

گیاهی است پایا و به ارتفاع ۰.۲ تا ۰.۵ سانتیمتر که به حالت مجتمع و انبوه در کنار جریانهای آب، گودانها، دشتهای مرطوب و موستانها به حالت خودرو می روید. ساقه راست، منشعب پوشیده از کربک و برگهای نرم، نوک تیز و موجدار دارد. سطح تحتانی برگهای آن به علت دارا بودن تارهای نرم و فراوان، پوشیده از کرکهای پنبه ای بنظر می رسد. کاپیتولهای آن درشت، متعدد و شامل دونوع گل، زبانه ای و لوله ای به رنگ زرد است. سیوه رسیده آن، قهوه ای رنگ و منتهی به یک دسته تار خرمائی رنگ می باشد.

کاپیتولهای درشت و زیبای این گیاه موجب گردیده که در بعضی نواحی اقدام به پرورش آن شود.

**خواص درمانی** - قابض و دارای اثر قطعی در رفع اسهالهای ساده است. برای این کار جوشانده ۳ درغزار ریشه و سرشاخه گلدار آنرا به مقدار ۳ تا ۴ فنجان در روز مصرف می نمایند. سابقاً در طب عوام از جوشانده یا دم کرده آن برای رفع دیسنتری دراپیدی ها، استفاده بعمل می آمده است.



ش ۱۷ - *Pulicaria dyscentrica*: سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

برای گلهای آن اثر التیام دهنده زخم و جراحات قائل اند. سابقاً در بعضی نواحی مانند کشور آلمان، از کلیه اندام این گیاه، به عنوان بندآورنده خون، رفع اخلاط خونی و نظائر آن استفاده بعمل می آمده است.

**محل رویش** - این گیاه در گیلان، منطقه وسیعی از ارتفاعات عمارلو و در ایسپیلی بیلاق، گرگان: بین کیاسر و نکا در ارتفاعات ۷۰۰-۹۰۰ متری، مازندران: گزنک در دره هزار دره ۱۶۰ متری، ۱ کیلومتری شمال شرقی نور. آذربایجان: نزدیک خوی، دیوان داغ در جنوب جلفا

در ۱۱۰۰-۱۵۰۰ متری، ۱۰۵۰ کیلومتری سیانه در ۱۰۸۰ متری. همدان، نزدیک یالفان، بروجرد، کرمانشاه: ۷۳ کیلومتری شمال غربی طاق بستان، اراک، خراسان: نزدیک مشهد، بین نیشابور و مشهد (احمد ماهوان). تهران: ۵۰ کیلومتری شمال شرقی تهران، دماوند، نزدیک دربند، پس قلعه. قزوین، بین قزوین و رشت، در ۱۲۰۰-۱۴۰۰ متری، ۳۲ کیلومتری شمال شرقی کرج (اسین-بازرگان)، سرد آباد در ۱۱۰۰ متری، کاشان: قمصر می روید.

از انواع دیگر آن، دو گیاه زیر قابل ذکر است:

۱- *Pulicaria incisa* (Lam.) DC. \*، در نواحی شمالی افریقا می روید و دم کرده سرشاخه گلدار آن بصورت چای مصرف می شود. بعلاوه چنین شهرت دارد که رفع کننده ناراحتی های قلبی است.

۲- *P. crispa* (Forsk.) Benth. \* در مصر می روید و دم کرده سرشاخه های گلدار آن در تهیه پودرهای عطسه آور مصرف دارد.

### *Aster tripolium* L.

*Aster carnosus* Gilib., *Tripolium vulgare* Nees.

فرانسه: *Aster*, *Aster maritime*, *Aster attique*, *Tripolium* ایتالیایی: *Aster*, *Astro*

انگلیسی: *Sea aster*, *Sea strawort*, *Tripoly* آلمانی: *Aster* - *Strandaster*,

عربی: اسطراطیقوس، خرم (Khoram)

گیاهی است علفی به ارتفاع ۱ تا ۶ سانتیمتر که اختصاصاً در اراضی شور سواحل دریاها و حاشیه سردابهای دارای آب شور به سر می برد. برگهای گوشتدار و بی کرک آن که پهنکی باریک و کشیده و نوک تیز دارند، بهترین وسیله تشخیص گیاه از انواع مجاور آن است.

کاپیتولهای آن به تعداد ۱ تا ۲ در رأس انشعابات ساقه مجتمع می گردد و چون هر یک دارای گلهای زیادهای به رنگ آبی زیبا یا سفید در حاشیه گل آذین می باشد، مجموعاً ظاهری بسیار جالب، پس از شکفته شدن کامل، بوجود می آورند. میوه آن پس از رسیدن، رنگ سایل به زرد پیدا می کند و در انتها به یک دسته تار سفید رنگ ختم می شود.

این گیاه در اروپا، مانند منطقه مدیترانه، سواحل دریاهای شمالی، آسیا: ایران، قفقاز، سیریه و همچنین در شمال افریقا می روید.

**خواص درمانی** - جوشانده ریشه گیاه، به صورت غرغره در رفع آئزین مؤثر است. از جوشانده و لوسیونهای آن سابقاً در طب عوام جهت رفع ورم چشم استفاده بعمل می آمده است.

محل رویش - این گیاه در سواحل دریای خزر مانند بندرگز و بعضی نواحی اطراف کرج

می‌روید.



ش ۱۸ - Aster tripolium : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

از Aster novae Angliae L. \* که در آمریکا می‌روید، برای درمان بیماریها

پوستی به صورت مالیدن فرآورده‌های آن بر روی پوست بدن، استفاده بعمل می‌آید.

برای A. linosyris Ber. \* که در فرانسه و بعضی دیگر از نواحی اروپا، مخصوصاً

در زمینهای آهکی می‌روید، اثر ضد عفونی کننده قائل اند.

*A. armellus* L. \* گیاهی علفی، زیبا و دارای برگهای ساده و پوشیده از کرکهای

نرم است. در نواحی مختلف اروپا می‌روید ولی در ایران دیده نشده است.

کاپیتولهای آن دارای گلهای زبانه‌ای آبی رنگ در حاشیه است و معمولاً به تعداد ۴ تا ۶

در ناحیه رأس انشعابات ساقه ظاهر می‌شود. سابقاً از آن برای رفع بیماریهای چشم و آنژین،

استفاده بعمل می‌آمده است.

### *Senecio vulgaris* L.

فرانسه : Petit Sénéçon ، S. des oiseaux ، S. commun ، Sénéçon vulgaire

انگلیسی : Grinning swallow ، Common groundsel ، Sinison ، Groundsel

آلمانی : Gemeines Greiskraut ، Gemeines Kreuzkraut ، Kreuzpflanze

ایتالیائی : Erba ucellina ، Erba calderina ، Cardoncello ، Senecio

عربی : سریره، شیخ الربیع، بابونج الطیور

گیاهی است علفی، یکساله یا دوساله، به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر و دارای ساقه راست و منشعب که بطور خودرو در مزارع، زمینهای بایر، گودالها، دانه‌های مرطوب و کم ارتفاع کوهستانها، دیوارهای کهنه و غیره می‌روید. پراکنندگی آن نیز بیشتر در نواحی معتدله است. از اختصاصات آن این است که برگهایی منقسم به لوبهای تقریباً مساوی و دنداندار و کاپیتولهای عاری از گلهای زبانه‌ای، محصور در انولوکری مرکب از یک ردیف پراکنده دارد. در قسمت انتهائی هر براکته آن، یک لکه تیره رنگ دیده می‌شود(۱).

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اندامهای آن است.

قرکیبات شیمیائی - در اعضای این گیاه مخصوصاً در ریشه آن، دوالکالوئید، یکی به نام

سنهسیونین *senécionine* و دیگری *senécine* همراه با یک ماده رزینی یافت می‌شود.

سنهسیونین، الکلوتیدی به فرمول  $C_{18}H_{25}NO_6$  و به وزن ملکولی ۳۳۳۹ است.

در انواع مختلف *Senecio vulgaris* L. وجود دارد و استخراج شده است (۲).

تعیین فرمول نسبت آن توسط Adams و Govindachari انجام گرفته است.

۱- انواع مختلف *Senecio*، بتفاوت دارای هر دو نوع گل زبانه‌ای و لوله‌ای و یا

یا منحصرآگلهای لوله‌ای می‌باشند.